

بخواهد ممکن است مدیر کل را احضار و از او استفسار نماید

اقبال السلطان - اجازه میفرمائید

رئیس - بعد از آنکه رأی بکافی بودن مذاکرات گرفته شد دیگر نمیتوان مذاکره نمود مگر اینکه راجع به پیشنهاد مذاکره داشته باشید

اقبال السلطان - اعتراض بنده راجع بماده هفتم است

رئیس - ماده هفتم هنوز قرائت نشده قرائت می شود بمدراسه بآن مذاکره می شود

آقای میرزا ابراهیم خان ماده هفتم را بمضمون ذیل قرائت نمودند

عضویت شورای شورای عالی معارف بدون حقوق خواهد بود

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اعضای که برای شورای عالی معارف معین شده اند یازده نفر می باشند شش نفر از آنها دارای حقوق و پنج نفر دیگر بدون حقوق می باشند بنا بر این گمان میکنم نظر بهمین مسئله اشخاصی که بی حقوق می باشند اغلب اوقات حاضر نشده و بالتبع جلسات شورای عالی تعطیل میشود عقیده بنده این است که برای این پنج نفر هم حقوق معین شود

مخبر - آن شش نفر اگرچه حقوق دارند و موظف هستند ولی موظف بودن آن ها از نقطه نظر عضویت شورای معارف نیست بلکه از نقطه نظر این است که یا مدیر مدرسه یا معلم هستند و در عضویت شورای عالی هر دو دسته برای خدمت بنوع و مجاناً کار میکنند و حقوق اداری آنها مربوط بشورای عالی معارف نیست

رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت یا مخالف

نصرت الدوله با راپورت موافقت

رئیس - آقای امین الشریعه موافقت امین الشریعه - بلی

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - این فرمایشی را که آقای مخبر فرمودند در صورتی مورد خواهد داشت که جلسات شورای عالی در مواقع تعطیل معین شود والا در مواقعی که کار دارند و جلسات منعقد می شود در همان ساعاتی که باید بکارهای معلمی و مدیری و غیره پردازند بکارهای شورای عالی معارف میپردازند بنابراین حقوقی را که میکینند از باب همان کارهای شورای عالی معارف محسوب خواهد بود

مخبر - تصور نمیکنم اینطور که آقای اقبال السلطان فهمیده است درست باشد اولاً ایشان باید بدانند معلمین درجه اول مدارس عالی و متوسطه در تمام ساعات هستند مشغول به تعلیم نمی باشند روزی دو ساعت و بعضی اوقات بیشتر و کمتر مشغول تدریس می باشند بنا بر این اوقات بیکاریشان مزاحم با حضور در شورای عالی نمی باشد و منافاتی ندارد رئیس مدرسه بطریق اولی برای اینکه مدارس عالی و متوسطه ناظم

دارد و در موقع غیبت مدیر بتوسط ناظم اداره میشود و اوقات او هم منافی با حضور در جلسات نمی باشد معذالك البته اوقات جلسات موقعی معین خواهد شد که مزاحمت با اوقات کار اعضاء نداشته باشد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت یا مخالف

حاج شیخ اسدالله - مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - پیشنهادی در این موضوع

کرده ام که ماده هفتم حذف شود زیرا بنده تصور نمیکنم وزارت معارف بتواند اعضائی پیدا نماید که افتخار او مجاناً قربه الی الله مدت چهار سال خدمت کند و بعقیده بنده با این حال هیچ وقت شورای عالی تشکیل نخواهد شد برای اینکه يك نفر را که از روی لیاقت و بصیرت برای انجام يك خدمتی معین میکنند و او هم با کمال صداقت و جدیت خدمت خود را انجام میدهد البته باید برای او يك حقوقی معین شود

رئیس - پیشنهاد خود را بنویسید و بفرستید ارجاع بکمیسسیون میشود دیگر راجع بساین ماده اعتراضی نیست

(گفته شد خیر)

رئیس - اگر مجلس موافق باشد اینک جلسه را ختم می کنیم و جلسه آتی سه روز سه شنبه دو ساعت بغروب مانده دستور بقیه شور در راپورت کمیسسیون بودجه و همچنین بقیه شور در راپورت کمیسسیون معارف راجع بشورای عالی معارف خواهد بود

(مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۵۹

صورت مشروح مجلس یوم سه

شنبه بیست و ششم جلدی ۱۳۰۰

مطابق هیجدهم جمادی الاولی

۱۳۴۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و چهارم جدی را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست ؟

(اظهاری نقد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . دو روز قبل که در بدو افتتاح مجلس بنده به آقایان هراعضی کردم مطلب جدید پیش آمده بود که بنده مطلع نبودم هر چند مایل نیستم اوقات آقایان را بامور شخصی مصروف کنم ولی چون امر راجع بیکدی از آقایان و کلا است لازم می دانم چند کلمه عرض کنم .

آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی مکتوبی به روزنامه ستاره ایران نوشته اند و در آن مکتوب هراعضی را که بنده در جلسه قبل کرده بودم برخلاف حقیقت وانمود کرده اند حالا روزنامه ستاره ایران هم

هراعضی بنده را طور دیگر نوشته است مسئله نیست چون مدیر ستاره ایران جزو مجلس نیست و بنده در آن خصوص حرفی ندارم ولی چون آقای طباطبائی یکی از کلا هستند خیلی متأسف هستم مطلبی را که بنده اینجاء عرض کردم و از آن واضحتر نمی توانستم بگویم در مکتوب خود طور دیگر جلوه داده اند ایشان همچو می خواهند بفرمایند که بنده ابتداء عرض کرده ام ماده ۶۳ نظام نامه داخلی شامل این پیشنهادات نیست ولی بعد از عقیده خود عدول کرده ام و گفته ام شامل میشود درحالی که از بنده پرسش شد که غیر از ماده ۶۳ کدام ماده را می بینید شامل این پیشنهاد بشود . بنده عرض کردم که هیچ ماده را نمی بینم که شامل این پیشنهاد شود . لذا بعقیده بنده باید این پیشنهاد رد شود ولی چون معتقد هستم که به آقایان مخالفین باید آزادی تام و تمامی داده شود که مذاکره بکنند لهذا عقیده بنده این است که ماده ۶۳ را اینجا اجرا کنیم و اینطور عرض کردم (از طرف جمعیت صحیح است) معذالك در عین این حال که ماده شصت و سه اجرا می شد چون در يك قسمت آن ماده میگوید که آقایان باید اختصار صحبت کنند این بود که بنده عرض کردم ماده ۶۳ را اجرا می کنیم ولی بارهاست مفاد آن ماده یعنی اشخاصیکه راپورت کمیسسیون بودجه اعتراضاتی دارند باید بطور اختصار حرف بزنند و فقط اعضاء کمیسسیون جواب بدهند .

آقای طباطبائی شرحی اینجا نطق فرمودند که تقریباً چهار ستون و نیم روزنامه را اشغال نموده معذالك گفته اند نگذاشتند من حرف خود را بزنم چند روز قبل آقای سلیمان میرزا شرحی بیان فرمودند که هیئت دولت و آقایان وزراء باید ساهی باشند قوانینی که از مجلس میگردد رعایت و اجرا شود تا کم کم مابطریق مشروطیت بیفتیم .

بنده از آقایان میپرسم مجلسی که مرکز ثقل این مملکت است و قانون وضع می کند آیا خود مجلس نباید رعایت مواد نظام نامه را بکنند؟ (جمعی گفتند - البته باید بکنند) با وجود این حال برای اینکه آقایان بدانند آنچه گفته و نوشته شده برخلاف حقیقت است بنده میگویم آقای طباطبائی سه نفر را بمیل خودشان از میان اعضاء مجلس انتخاب کنند و بآن سه نفر حکمت بدهند و بدلتخواه خودشان بدون اینکه بنده در این امر دخالت کنم آن سه نفر را معین کنند که در این امر رسیدگی کنند و هر حکمی آن سه نفر کردند بنده تابع هستم . اگر حکم کردند بنده برخلاف واقع عرض کرده ام همه نوع حاضران استرضای خاطر ایشان را فراهم کنم .

اما اگر آن سه نفر که خودشان انتخاب کرده اند بر علیه ایشان رأی دادند ایشان هم باید تسلیم شوند ایشان تشریف آورده بودند چون دانستند که بنده این مطلب را عنوان خواهم کرد تشریف بردند لهذا بنده از امروز تاده روز دیگر بایشان فرجه می دهم ایشان مجازند و می توانند هر سه نفری را می خواهند معین کنند و حکمت بدهند که به پیشین اولاً آن شرحی را که بنده در جلسه قبل بیان کرده ام بسا مکتوبی که ایشان دو

می شود و در تقلیل بودجه سایر وزارتخانه ها مذاکراتی می شود در اول وحله و در خلال همین احوال برای دارالانشاء شورای عالی معارف هم که حاله موهوم بنظر می آید و شاید بعد بمساعی جمیله آقای وزیر معارف تشکیل شود برای او یک دارالانشاء مفصلی . یک بودجه معینی تعیین می کنند بنابراین بنده تصور میکنم بهتر این است که یکی دونفر از منشی های کابینه موظف باشند وظایف این دارالانشاء را در نظر بگیرند و ریاست دارالانشاء نیز بارتیس کابینه باشد البته یکی از آرزوهای بنده هم این است که شورای عالی معارف ایران یک دارالانشاء خاصی داشته باشد ولی با ترتیبات امروزه گویا اصلاح نباشد .

وزیر معارف - بهمان دلیلی که آقای می فرمایند باید ملاحظه اختصار بودجه را کرد البته در کابینه هم حتی الامکان رعایت اختصار می شود و در آن صورت دیگر ممکن نیست اعضا کابینه بتوانند بکار شورای عالی معارف رسیدگی کنند . عرض کردم این شوری خیلی کار دارد و بیک دارالانشائی محتاج است که به او کمک کند که مثل سابق کارهای شورای عالی معارف و دفاتر آن از بین نرود و بتواند یک اصلاحاتی در معارف بکند و علاوه وظایفی که برای شورای عالی معارف نوشته شده خیلی زیاد است و بسبب یکی دونفر انجام نمیشود داد .

رئیس - آقای سردار معظم کردستانی این پیشنهاد از طرف جناب عالی است ؟

سردار معظم کردستانی - خیر بنده پیشنهادی نکرده ام .

سردار معظم خراسانی - بنده راجع بماده نهم پیشنهادی کرده ام .

رئیس - ماده نهم قرائت میشود (به ترتیب ذیل قرائت شد)
ماده ۹ - اعضا دارالانشاء عبارت از یک رئیس و دومنشی و یک نایب خواهد بود که وزیر معارف آنها را از غیر اعضای شورای عالی معارف موظفاً تعیین می نماید .

سردار معظم - بنده با این ماده مخالفم زیرا در قانون نباید تعیین کرد که اعضا دارالانشاء عبارت از یک رئیس و دومنشی و یک نایب خواهد بود . عده اعضا البته قهراً متناسب با کار است و در قانون نباید نوشته شود ممکن است امروز یک منشی و دومنشی نایب داشته باشد فردا بسبب پیدا کند و ۲۰ منشی و سه نایب لازم داشته باشد تعیین عده اعضا هر اداره منوط بیودجه آن اداره است و این دارالانشاء هم یک بودجه خواهد داشت عده اعضا را در آنجا باید ذکر کنند بنابراین به عقیده بنده عده اعضا باید حذف شود و همان طور که پیشنهاد کرده ام باید نوشته شود

اعضا دارالانشاء غیر از اعضا شورای عالی معارف معین خواهند شد . حاله عده شان چه در است البته بعد تعیین خواهند شد

مخبر - بنده بیانات آقای سردار معظم را تصدیق

میکنم که در قانون نباید عده اعضا یک مؤسسه و یک اداره قید شود ولی در اینجا که ذکر شده برای جلوگیری از یک مقصودی بود و آن این است : بموجب قوانین که در مجلس ایران وضع شده یک ادارات و یک دوائری تشکیل شده و اختیار تشکیل این ادارات را بوزرای وقت داده اند و چون در قانون عده اعضا تصریح نشده ملاحظه می کنیم در هر دایره و اداره که تشکیل شده یک صندلی های زیادی گذاشته شده و یک عده اعضا زیادی به آنجا آورده اند البته این قسمت در بودجه ملاحظه خواهد شد ولی اینکه عده اعضا دارالانشاء قید شده فقط برای این بوده است که بعد از آنکه دارالانشاء تشکیل شد بهین عده اکتفا شود نه اینکه بعد یکی بیاید به اسم ضباط یکی باسم دفتر دار یکی باسم حافظ دفتر را که در غیر ذلک بیک مرتبه به بنیم دارالانشائی که بادوسه نفر اداره میشود دارای عده زیادی اعضا شده است این فقط برای این بوده است که در آتی به وزیر اختیارات غیر محدود نداشته باشد . اما اینکه می فرمایند ممکن است بیک وقت عده زیادتری لازم شود تصدیق میکنم ولی منافاتی ندارد که فعلا بهین اندازه اکتفا بشود برای اینکه جلوگیری از این مسئله شده است بعدا اگر لازم شد البته وقتی که بودجه دارالانشاء برای سنوات آتی بمجلس بیاید ممکن است یک نفر را آنجا باسم ضباط یا باسم دیگر اضافه کنند ولی اینکه عده در اینجا برخلاف اصول جاریه نوشته شده فقط برای جلوگیری از این بوده که فردا یک صندلی هائی در دارالانشاء اضافه نشود

رئیس - آقای اقبال السلطان مخالفند
اقبال السلطان - بلی
رئیس - بفرمائید
اقبال السلطان - بنده کاملاً با عقیده آقای سردار معظم موافق بودم ولی جوابی را که آقای مخبر فرمودند بیشتر بنده را متعجب کرد که مقصود جلوگیری از زیادی عده که بعد از این ممکن است برای دارالانشاء پیدا شود نبوده عجلتاً با این ترتیباتی که برای شورای عالی معارف تعیین شده بنده یک رئیس و دو منشی و یک نایب را لازم میدانم

مخبر - بنده اعتراض آقای اقبال السلطان را با قید تعجبی که تلقی کردند نفهمیدم خوب است بهتر توضیح بفرمائید

رئیس - آقای آبدی مخالفند ؟
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بلی

رئیس - بفرمائید
حاج میرزا علی محمد - بنده با عقیده آقای سردار معظم موافقم بجهت اینکه اساساً عده در قانون نباید نوشته شود . و اگر بنا شود نوشته شود بکنفر رئیس و یک نفر منشی و یک نفر نایب برای شورای عالی معارف کافی است

رئیس - آقای نصرت الدوله موافقند یا مخالف ؟

نصرت الدوله - با فرمایش آقای دولت آبادی

رئیس - آقای آصف الممالک

آصف الممالک - بنده تصور میکنم آقایان وظایفی که در اینجا برای شورای عالی معارف نوشته شده است هیچ مراجعه نمی فرمایند اگر مراجعه میفرمودند اعتراض میکردند اگر بایستی این شورای عالی معارف از عهده انجام دادن این هفده ماده بر آید دو نفر منشی برای ایفاء وظیفه چیزی نیست البته کار زیاد خواهند داشت علی الخصوص که طرف مکاتبه با سایر

مخالفم - **رئیس** - بارابورت چطور
نصرت الدوله - مخالفم
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا چطور ؟

محمد هاشم میرزا - مخالفم
رئیس - پس همه مخالفند . آقای نصرت - الدوله .

نصرت الدوله - (اجازه)
صحیح نمیدانم در یک قانونی که می گذرد برای تأسیس یک مؤسسه داخل این جزئیات از قبیل منشی و ضباط و غیره شده جواب آقای مخبر را هم قانع کننده نمیدانم برای اینکه نمیشود اصول اساسی را از دست داد برای اینکه از اشتباهات و خطبهای جاری و عادی جلوگیری کنیم آن اشتباهات و خطایا را به وسایل دیگر ممکن است جلوگیری کرد . بنده معتقدم اسم رئیس دارالانشاء برده شود ولی اسم اعضا برده نشود .

اسم رئیس را هم از این جهت معتقدم که لازم است همانطور که در ضمن یک ماده پریروز عرض کردم سعی کنیم بوسیله این شورای عالی معارف و وزارت معارف یک مرکز ثابتی تأسیس کنیم که بتواند با تغییر کابینه و وزراء باقی باشد و تغییر در فرم و تجدید معارف را تأمین کند باین نظر باید اسم رئیس دارالانشاء ذکر شود ولی قسمت های دیگر را از این میدانم و گمان نمی کنم آقای مخبر کمیسیون هم در این مسئله اصراری داشته باشند .

مخبر - بنده عرض کردم که با قسمت اول فرمایشات آقای سردار معظم موافقم و نباید این قید در قانون بشود و ذکر آن برای آن نظری بود که عرض کردم و آنقدرها بنده در این باب حدیثی ندارم اگر آن مقصود بطریق دیگر تأمین شود بنده عرضی ندارم ممکن است پیشنهاد کنند بکمیسیون ارجاع شود

رئیس - پیشنهاد بفرمائید بکمیسیون ارجاع می شود .

آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - تصور میکنم شورای عالی معارف نباید رئیس دارالانشاء داشته باشد و بنظر بنده یک نفر منشی باید داشته باشد که مطالب را بنویسد باقی تمام به عهده کابینه وزارت معارف باشد .

رئیس - آقای آصف الممالک (اجازه)
آصف الممالک - بنده تصور میکنم آقایان وظایفی که در اینجا برای شورای عالی معارف نوشته شده است هیچ مراجعه نمی فرمایند اگر مراجعه میفرمودند اعتراض میکردند اگر بایستی این شورای عالی معارف از عهده انجام دادن این هفده ماده بر آید دو نفر منشی برای ایفاء وظیفه چیزی نیست البته کار زیاد خواهند داشت علی الخصوص که طرف مکاتبه با سایر

وزارتخانه ها و سایر شعبات اداره معارف چه با ایالات و ولایات و چه در مرکز خواهند بود .

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواسته است ؟
(اظهاری نشد)

رئیس - پیشنهادات قرائت می شود . پیشنهاد آقای سردار معظم خراسانی .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم ماده نهم اینطور نوشته شود :

رئیس و اعضا دارالانشاء را وزیر معارف از غیر اعضا شورای عالی معارف تعیین نموده و موظف خواهند بود .

رئیس - توضیحی دارید ؟
سردار معظم - توضیح همان بود که عرض کردم اگر چه آقای مخبر هم بیان مقصود کردند و بالاخره رای قطعی اتخاذ نکردند ولی می خواستم بایشان عرض کنم که اگر ادواری باشد که قانون معتبر شمرده شود قانون بودجه هم معتبر شمرده خواهد شد و از طریق بودجه می شود از مقصودی که اظهار نمودند جلوگیری کرد .

ولی اگر ادواری باشد که کسی باین بقوانین نباشد البته این ماده هم فراموش خواهد شد و تعیین عده در این قانون چیزی را تأمین نمیکند پس خوب است در قانون شورای عالی معارف راجع به ثبات و ضباط چیزی ننویسیم و موکول بیودجه نمایم

وزیر معارف - این پیشنهاد آقای سردار معظم را قبول میکنم .

رئیس - بکمیسیون ارجاع می شود بعد هر طور صلاح دانستند راپورت داده می شود . پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
این بنده پیشنهاد میکنم که در عوض دارالانشاء شورای عالی معارف یک نفر منشی موظفاً تعیین شود و بقیه مشاغل دارالانشاء بر عهده اعضا کابینه وزارت معارف می باشد .

رئیس - اگر توضیحی دارید بفرمائید .
محمد هاشم میرزا - کسی مخالفت نکرد که توضیح بدهم .

رئیس - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه قرائت می شود .

(شرح آتی قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم وظایف دارالانشاء شورای عالی معارف بعهده رئیس کابینه وزارت معارف محول شود مستشار السلطنه

رئیس - توضیحی دارید ؟
مستشار السلطنه - بلی
رئیس - بفرمائید .

مستشار السلطنه - بنده چون معتقد بزیادی اجزاء نیستم عرض میکنم آقایان اعضا کمیسیون معارف آنقدر که در توسعه شورای عالی معارف سعی می کنند خوب است سعی بفرمایند قدری بر عهده شاگردان مدارس افزوده شود و بنده چنانچه قبلاً هم عرض کردم اعضا دارالانشاء را زاید دانسته و

مسی خواهم وظایف او بعهده ریاست کابینه واگذار شود

وزیر معارف - اگر قدری دقت میفرمودند از وظایفی که برای شورای عالی معارف معین شده تصدیق میفرمودند که آن مرکز که بتواند اصلاحاتی را انجام دهد و بعهده جناب عالی شاگرد زیاد کند همان شورای عالی معارف است و اگر بتواند این وظایف را انجام بدهد آنوقت می توان معتقد شد که مدارس ما خالی از نقص است و شاگردان مدارس روز بروز زیادتر شده و مدارس مرتب خواهد شد پس ما باید در توسعه آن مرکزی که معارف را اصلاح خواهد کرد بکوشیم

رئیس - در هر صورت فرستاده میشود بکمیسیون ماده دهم قرائت میشود

(بترتیب ذیل قرائت شد)
ماده دهم - شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست و باید اقل یک هفته قبل از انقضای هر دوره اعضای دوره بعد انتخاب شوند و اعضای سابق نیز قابل انتخاب میباشند

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی این پیشنهاد راجع بکدام ماده است ؟ (غائب بودند) آقای سدید الملک (اجازه)

سدید الملک - بنده عرض میکنم اینجا که نوشته شده باید یک هفته تا آخر مدت مانده الی آخر این یک هفته را خوب است بکما بکنند

مخبر - در اینجا که نوشته شده است یک هفته قبل از هر دوره باید انتخاب تجدید شود قسمت آخر مدت را نوشته است و منافات ندارد با اینکه یکماه قبل تجدید شود این آخرین حدی است که وزیر را الزام میکند که در آن مدت اعضای شورای عالی معارف جدیداً انتخاب کرده باشد

سدید الملک - اجازه بفرمائید توضیح بدهم ؟
رئیس - پیشنهاد کرده ام بعد از قرائت پیشنهاد توضیح بدهید

آقای ملک الشعراء - بلی
رئیس بفرمائید
ملک الشعراء - بنده در ماده پنجم هم مخالف بودم ولی نوبت بنده نرسیده و در اینجا هم عرض می کنم که عقیده ام مطابق پیشنهادیست که از طرف آقای حائری زاده شده بعقیده بنده باید مدت دوره شورای عالی معارف شش سال باشد که در هر دو سال یکمرتبه نایب اعضا بوجوب قرعه عوض شوند و بجای آنها یک نایب دیگر انتخاب شوند و علی هم که در این پیشنهاد بنظر من رسیده دو سه علت است اول طول مدت و تحصیل سابقه برای کار است زیرا ما از شورای عالی معارف کار میخواهیم و می خواهیم با سابقه هائی که در جریان کار پیدا می کنند و با معلومات تجربه خودشان بیسبب دائره معارف خدمت کنند بدیهی است هر چه مدت این شوری زیاد باشد اعضا آن بیشتر مجرب شده و بکار آشنا می شوند این یک نظر بود که بعقیده

مسی خواهم وظایف او بعهده ریاست کابینه واگذار شود

وزیر معارف - اگر قدری دقت میفرمودند از وظایفی که برای شورای عالی معارف معین شده تصدیق میفرمودند که آن مرکز که بتواند اصلاحاتی را انجام دهد و بعهده جناب عالی شاگرد زیاد کند همان شورای عالی معارف است و اگر بتواند این وظایف را انجام بدهد آنوقت می توان معتقد شد که مدارس ما خالی از نقص است و شاگردان مدارس روز بروز زیادتر شده و مدارس مرتب خواهد شد پس ما باید در توسعه آن مرکزی که معارف را اصلاح خواهد کرد بکوشیم

رئیس - در هر صورت فرستاده میشود بکمیسیون ماده دهم قرائت میشود

(بترتیب ذیل قرائت شد)
ماده دهم - شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست و باید اقل یک هفته قبل از انقضای هر دوره اعضای دوره بعد انتخاب شوند و اعضای سابق نیز قابل انتخاب میباشند

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی این پیشنهاد راجع بکدام ماده است ؟ (غائب بودند) آقای سدید الملک (اجازه)

سدید الملک - بنده عرض میکنم اینجا که نوشته شده باید یک هفته تا آخر مدت مانده الی آخر این یک هفته را خوب است بکما بکنند

مخبر - در اینجا که نوشته شده است یک هفته قبل از هر دوره باید انتخاب تجدید شود قسمت آخر مدت را نوشته است و منافات ندارد با اینکه یکماه قبل تجدید شود این آخرین حدی است که وزیر را الزام میکند که در آن مدت اعضای شورای عالی معارف جدیداً انتخاب کرده باشد

سدید الملک - اجازه بفرمائید توضیح بدهم ؟
رئیس - پیشنهاد کرده ام بعد از قرائت پیشنهاد توضیح بدهید

آقای ملک الشعراء - بلی
رئیس بفرمائید
ملک الشعراء - بنده در ماده پنجم هم مخالف بودم ولی نوبت بنده نرسیده و در اینجا هم عرض می کنم که عقیده ام مطابق پیشنهادیست که از طرف آقای حائری زاده شده بعقیده بنده باید مدت دوره شورای عالی معارف شش سال باشد که در هر دو سال یکمرتبه نایب اعضا بوجوب قرعه عوض شوند و بجای آنها یک نایب دیگر انتخاب شوند و علی هم که در این پیشنهاد بنظر من رسیده دو سه علت است اول طول مدت و تحصیل سابقه برای کار است زیرا ما از شورای عالی معارف کار میخواهیم و می خواهیم با سابقه هائی که در جریان کار پیدا می کنند و با معلومات تجربه خودشان بیسبب دائره معارف خدمت کنند بدیهی است هر چه مدت این شوری زیاد باشد اعضا آن بیشتر مجرب شده و بکار آشنا می شوند این یک نظر بود که بعقیده

مسی خواهم وظایف او بعهده ریاست کابینه واگذار شود

بنده شش سال مدت را ایجاب می کرد مسئله دوم تفنناتی است که دیده شده است حتی در این قبیل انتخابات که از طرف وزراء بعمل می آید نه فقط برای کارهای اداری حتی برای این قبیل کارهای علمی هم که یک عده اشخاص بدون گرفتن حقوق فقط مجانی و انتضاری داخل کار میشوند در این موارد هم دیده شده که تفنناتی بکار می رود برای جلوگیری از این قبیل تفننات بایستی مدت را شش سال قرارداد و تجدید هر انتخابات را بثلث معین کرد آنهم بقرعه نه آنکه آقای وزیر تصور کنند بعد از چهار سال هم باید یکمده اشخاص را با سلبه و ذوق خودش انتخاب کند و آنوقت در تعیین آنها و هنی بشورای عالی و به اعضا سابقه وارد شود و از این گذشته ممکن است اگر تجدید انتخاب شکل قرعه در سال بدو سال نباشد فرجه هائی در این بین حاصل شود و یکمده یا دو ماه فرجه پیدا کند خاصه اگر انتخابات جدید موافق تفننات معموله واقع شود ممکن است کارهائی که در مدت چهار سال بعمل آمده و در آن خصوص نظریاتی اتخاذ کرده اند و زمینه ها چیده اند آنها بواسطه فرجه و تغییرات تفنن آمیز از بین برود از این نقطه نظر و نظریات دیگر بنده بهتر می دانم مدت را شش سال قرارداد و هر دو سال نایب اعضا بحکم قرعه خارج و نایب دیگر بجای آنها معین شوند البته انتخاب آنها بنظر وزیر خواهد بود چیزی که هست در آن چهار سال اول که باید در قرعه دولت تغییر کند مسئله قرعه پیش می آید که باید آن دوره بحکم قرعه خارج شوند و پس از ختم شش سال اعضا جدید مستمر بجای اعضای که خارج شده اند خواهند آمد و دیگر محتاج بقرعه نخواهیم بود و همیشه شورای عالی معارف دائر است و یکمده اعضا مجرب و کار آزموده در اینجا هستند و آنوقت آن ملاحظاتی از قبیل فرجه و تفننات و از بین رفتن کارها و پاره شدن سلسله عملیات شورا در میان نخواهد آمد و تمام این نظریات بعقیده بنده اصلاح می شود .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت ؟
ارباب کیخسرو - خیر .
رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - مخالفم .
رئیس - آقای حائری زاده .

(اجازه)
حائری زاده - این پیشنهاد خود بنده است بنده با آقای ملک الشعراء موافقم .
رئیس - آقای نصرت الدوله .

(اجازه)
نصرت الدوله - اگر اجازه فرمائید بنده یک توضیحی از آقای ملک الشعراء می خواهم .

رئیس - بعد ممکن است . آقای ارباب کیخسرو .

(اجازه)
ارباب کیخسرو - در ماده ده که نوشته شده (شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست) بنده گمان می کنم مقصود اساسی شورای عالی معارف باشد

بنده شش سال مدت را ایجاب می کرد مسئله دوم تفنناتی است که دیده شده است حتی در این قبیل انتخابات که از طرف وزراء بعمل می آید نه فقط برای کارهای اداری حتی برای این قبیل کارهای علمی هم که یک عده اشخاص بدون گرفتن حقوق فقط مجانی و انتضاری داخل کار میشوند در این موارد هم دیده شده که تفنناتی بکار می رود برای جلوگیری از این قبیل تفننات بایستی مدت را شش سال قرارداد و تجدید هر انتخابات را بثلث معین کرد آنهم بقرعه نه آنکه آقای وزیر تصور کنند بعد از چهار سال هم باید یکمده اشخاص را با سلبه و ذوق خودش انتخاب کند و آنوقت در تعیین آنها و هنی بشورای عالی و به اعضا سابقه وارد شود و از این گذشته ممکن است اگر تجدید انتخاب شکل قرعه در سال بدو سال نباشد فرجه هائی در این بین حاصل شود و یکمده یا دو ماه فرجه پیدا کند خاصه اگر انتخابات جدید موافق تفننات معموله واقع شود ممکن است کارهائی که در مدت چهار سال بعمل آمده و در آن خصوص نظریاتی اتخاذ کرده اند و زمینه ها چیده اند آنها بواسطه فرجه و تغییرات تفنن آمیز از بین برود از این نقطه نظر و نظریات دیگر بنده بهتر می دانم مدت را شش سال قرارداد و هر دو سال نایب اعضا بحکم قرعه خارج و نایب دیگر بجای آنها معین شوند البته انتخاب آنها بنظر وزیر خواهد بود چیزی که هست در آن چهار سال اول که باید در قرعه دولت تغییر کند مسئله قرعه پیش می آید که باید آن دوره بحکم قرعه خارج شوند و پس از ختم شش سال اعضا جدید مستمر بجای اعضای که خارج شده اند خواهند آمد و دیگر محتاج بقرعه نخواهیم بود و همیشه شورای عالی معارف دائر است و یکمده اعضا مجرب و کار آزموده در اینجا هستند و آنوقت آن ملاحظاتی از قبیل فرجه و تفننات و از بین رفتن کارها و پاره شدن سلسله عملیات شورا در میان نخواهد آمد و تمام این نظریات بعقیده بنده اصلاح می شود .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت ؟
ارباب کیخسرو - خیر .
رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - مخالفم .
رئیس - آقای حائری زاده .

(اجازه)
حائری زاده - این پیشنهاد خود بنده است بنده با آقای ملک الشعراء موافقم .
رئیس - آقای نصرت الدوله .

(اجازه)
نصرت الدوله - اگر اجازه فرمائید بنده یک توضیحی از آقای ملک الشعراء می خواهم .

رئیس - بعد ممکن است . آقای ارباب کیخسرو .

(اجازه)
ارباب کیخسرو - در ماده ده که نوشته شده (شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست) بنده گمان می کنم مقصود اساسی شورای عالی معارف باشد

بنده شش سال مدت را ایجاب می کرد مسئله دوم تفنناتی است که دیده شده است حتی در این قبیل انتخابات که از طرف وزراء بعمل می آید نه فقط برای کارهای اداری حتی برای این قبیل کارهای علمی هم که یک عده اشخاص بدون گرفتن حقوق فقط مجانی و انتضاری داخل کار میشوند در این موارد هم دیده شده که تفنناتی بکار می رود برای جلوگیری از این قبیل تفننات بایستی مدت را شش سال قرارداد و تجدید هر انتخابات را بثلث معین کرد آنهم بقرعه نه آنکه آقای وزیر تصور کنند بعد از چهار سال هم باید یکمده اشخاص را با سلبه و ذوق خودش انتخاب کند و آنوقت در تعیین آنها و هنی بشورای عالی و به اعضا سابقه وارد شود و از این گذشته ممکن است اگر تجدید انتخاب شکل قرعه در سال بدو سال نباشد فرجه هائی در این بین حاصل شود و یکمده یا دو ماه فرجه پیدا کند خاصه اگر انتخابات جدید موافق تفننات معموله واقع شود ممکن است کارهائی که در مدت چهار سال بعمل آمده و در آن خصوص نظریاتی اتخاذ کرده اند و زمینه ها چیده اند آنها بواسطه فرجه و تغییرات تفنن آمیز از بین برود از این نقطه نظر و نظریات دیگر بنده بهتر می دانم مدت را شش سال قرارداد و هر دو سال نایب اعضا بحکم قرعه خارج و نایب دیگر بجای آنها معین شوند البته انتخاب آنها بنظر وزیر خواهد بود چیزی که هست در آن چهار سال اول که باید در قرعه دولت تغییر کند مسئله قرعه پیش می آید که باید آن دوره بحکم قرعه خارج شوند و پس از ختم شش سال اعضا جدید مستمر بجای اعضای که خارج شده اند خواهند آمد و دیگر محتاج بقرعه نخواهیم بود و همیشه شورای عالی معارف دائر است و یکمده اعضا مجرب و کار آزموده در اینجا هستند و آنوقت آن ملاحظاتی از قبیل فرجه و تفننات و از بین رفتن کارها و پاره شدن سلسله عملیات شورا در میان نخواهد آمد و تمام این نظریات بعقیده بنده اصلاح می شود .

برای اینکه ممکن است در ظرف سال شورای معارف يك تعطیلی برای خود قرار دهد. اگر چه در اصل هفتم متمم قانون اساسی می نویسد (اساس مشروطیت جزئی و کلا تعطیل بردار نیست) مگر گاهی برخلاف آن واقع می شود. با این حال مقیده بنده این است که در اینجا ذکر شود اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست تا در مواقعی که برای استراحت يك تعطیلاتی پیش می آید مانعی نداشته باشد.

مخبر - این پیشنهاد جناب عالی ارجاع بکمیسیون شده و راجع به ماده پنجم است و کمیسیون البته تصمیمی اتخاذ خواهد کرد و برای شور دوم در مجلس راپورت خواهد داد معذرت بپیشنهاد جناب عالی این قسمت را تأمین نمی کند برای اینکه اگر يك وزیر بخواهد شورای معارف را منحل کند مدت شش سال با تجدید انتخاب ثلث اعضاء آن تغییر نخواهد داد

رئیس - آقای آقا شیخ ابراهیم (اجازه نطق)
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اینکه می نویسد (لا اقل يك هفته) اکثر شش ماه هم می شود باید يك حدی معین شود والا اگر حد اکثر نوشته نشود و همین قدر نوشته شود لا اقل يك هفته اکثر شش سال هم می شود و این صحیح نیست

مخبر - فرض می کنیم اکثر شش ماه باشد اثر و نتیجه را باید دید آیا اگر در سه ماه یا چهار ماه قبل هم انتخاب بشوند با بودن شورای عالی معارف سابق آنها می توانند قائم مقام اعضاء سابق بشوند و تشکیل شورای عالی معارف را بدهند

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اگر اینطور است پس دو شورای عالی معارف خواهد بود والا آن انتخابات ثانی شورای معارف لغو خواهد بود پس بهتر این است مدت را اینطور معین کنند که در ظرف يكماه آخر مدت این کار بشود

رئیس - پیشنهاد آقای سدیدالملک و آقای ارباب کیخسرو قرائت می شود (فقره اول بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ده این قسم نوشته شود
شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست و باید اقلا يكماه قبل از انقضای هر دوره اعضاء دوره بعد انتخاب شوند... الی آخر (سدیدالملک)

سر دار معظم - باید در ظرف يكماه نوشته شود
رئیس - (خطاب به آقای سدیدالملک) توضیحی داشته بفرمائید

سدیدالملک - اینکه عرض کردم يك هفته کافی نیست برای این است که چون مدتی بوقت نمانده اگر وزیر معارف بخواهد در آن مدت تجدید انتخاب کند ممکن است در همان مدت وزیر مستعفی شود آن وقت تا وزیر ثانوی انتخاب شود شوری تعطیل میشود اینک عرض کردم يكماه برای این بود که تعطیل نشود که اگر وزیر مستعفی شد وزیر دیگر بجای او اعضاء را انتخاب کند

رئیس - بکمیسیون فرستاده می شود پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت می شود (آقای میرزا ابراهیم خان ملک آرائی بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده ده این قسم اصلاح شود، اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست الخ...
رئیس - (خطاب به آقای ارباب کیخسرو)

توضیحی دارید؟
ارباب کیخسرو - بنده توضیح را عرض کردم و آقای میرزا ابراهیم موافقت فرمودند
رئیس - بکمیسیون مراجعه می شود ماده یازده قرائت می شود

(بترتیب ذیل قرائت شد)
ماده یازدهم - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت نماید شورای عالی معارف چند نفر را که واجد شرایط مذکور در ماده چهار باشند وزیر معارف پیشنهاد نموده و وزیر يك نفر را از بین آنها انتخاب می نماید

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)
سر دار معظم - بنده تصور می کنم پس از آنکه يك نفر از اعضاء رسمی شورای عالی معارف استعفا کرد بهتر این است که حتی الامکان در عوض او يك نفر از اعضاء افتخاری معین شود از طرف دیگر هم نمی شود مقید کرد که حتماً از اعضاء افتخاری و باشعولی اعضاء افتخاری باید در جمان داشته باشند حالا بنده يك پیشنهادی کرده ام که از میان اعضاء افتخاری یا خارج از آنها دعوتاً بوزارت معارف پیشنهاد کنند که وزارت معارف در حدود ماده پنج از میان آنها يك نفر انتخاب کند و اعضاء افتخاری بر اشخاص خارجی مقدم خواهند بود. ممکن است به بنده جواب بگویند که اعضاء افتخاری خودشان جزء شورای عالی معارف هستند و دو مرتبه ممکن نیست از خود آنها انتخاب شود. راست است من هم این مسئله در نظرم بود ولی این نکته را هم نباید فراموش کرد که بین اعضاء رسمی شورای عالی معارف و اعضاء افتخاری فرق است اعضاء افتخاری حق رای دادن در مسائل شوری ندارند و اعضاء رسمی حق دارند ممکن است در میان اعضاء افتخاری اشخاصی باشند که بالاخره مایل باشند بطور جدی در شورای عالی معارف کار بکنند در این صورت لازم نیست ما آنها را از حق رای دادن محروم بکنیم. ممکن است از بین آنها يك عده را بعنوان عضویت رسمی تعیین کنند و يكعه دیگری در عوض آنها بعنوان عضو افتخاری تعیین شود.

وزیر معارف - بنده با این پیشنهاد موافقت هستم رجوع بکمیسیون فرمائید
رئیس - آقای ارباب کیخسرو مخالف استبداد

ارباب کیخسرو - يك قسمت از این ماده مخالف با ماده پنجم است. زیرا ماده ه بطور مطلق انتخاب اعضاء را بعهده وزیر معارف میگذارد و هیچ شرط نمیکنند دیگری هم دخالت داشته باشد در اینجا می نویسد برای مدت چهار سال اعضاء باید انتخاب شوند میخواستیم به بینم علت چیست که حتماً باید شوری پیشنهاد کند و اگر اشخاصی را که شوری پیشنهاد کرد و وزیر خواست مطابق ماده ه دیگری را انتخاب کند چه خواهد شد. علاوه چون ماده ه تصریح میکند که مدت انتخاب چهار سال خواهد بود عقیده بنده این است که در اینجا قید شود اشخاصی که جدیداً در عوض اشخاص

متوفی یا مستعفی انتخاب میشوند انتخاب آنها برای بقیه مدت خواهد بود نه اینکه تصور شود انتخاب آنها برای مدت چهار سال است.
مخبر - بنده تصور میکنم محتاج نباشد که قید شود آن عضوی که بجای عضو متوفی یا مستعفی انتخاب میشود برای بقیه مدت خواهد بود زیرا این مطلب واضح است چنانکه در مجلس شورای ملی مثلاً بکمال باقتضای دوره تقنینیه باقی مانده اگر يك نفر از اعضاء استعفا بدهد و بجای او بخواهند يك نفر دیگر انتخاب کنند چه خواهند کرد؟ البته برای بقیه مدت انتخاب خواهند کرد در این صورت تصور میکنم این مسئله محتاج بقید نباشد.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده عرضی ندارم.
رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)

سدیدالملک - بنده عرض میکنم اگر آقایان در ماده دوم غور بفرمائید در آنها می نویسد اعضاء که انتخاب میشوند باید دو نفر از روسای مدارس عالی و متوسطه باشند. فرضاً اگر يك نفر از آنها مرد یا مستعفی شد باید از همان صنف اشخاص انتخاب کنند از معلمین و روسای مدارس نه از اعضاء افتخاری.

مخبر - چون مطابق ماده یازدهم شورای عالی معارف حق داده شده است که چنانچه یکی از اعضاء فوت کرد یا استعفا نمود بجای او دیگری را پیشنهاد نمایند بدیهی است در موقع انتخاب شورای عالی معارف ماده دوم را هم در نظر خواهد گرفت که آیا آن شخص مستعفی از روسای مدارس متوسطه است یا از معلمین یا از آن پنج نفر دیگر و ملی ای حال محتاج باین قید نیست برای اینکه این حق است که بشوری داده شده و شوری هم مجبور است مطابق این قانون رفتار کند.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
ارباب کیخسرو - اینکه آقای مخبر فرمودند لازم نیست بقیه مدت قید شود و تشبیه کردند به مجلس شورای ملی اگر مراجعه بقانون انتخابات بنمائیم خواهیم دید که در آنها هم قید شده است که برای بقیه مدت انتخاب خواهند شد بنده هیچ منافعی نمی بینم که در اینجا قید شود (برای بقیه مدت انتخاب می شوند) که رفع محظور بشود.

مخبر - بسیار خوب کتباً پیشنهاد کنند به کمیسیون مراجعه شود.
رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد کرده اند قرائت می شود (آقای میرزا ابراهیم خان ملک آرائی شرح ذیل قرائت نمودند)

ماده ۱۱ - هر گاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت

نماید شورای عالی معارف چند نفر را که واجد شرایط مذکور در ماده ۴ باشند از میان اعضاء افتخاری و یا خارج از آنها وزیر معارف پیشنهاد می نماید که وزیر بکنفر را از بین آنها مطابق ماده معین نماید اعضاء افتخاری مرجع بر سایرین خواهند بود.
(سردار معظم)

رئیس - (خطاب به آقای سردار معظم) توضیحی دارید بفرمائید؟
سردار معظم - خیر عرضی ندارم توضیح همان بود که عرض کردم

رئیس - بکمیسیون ارجاع می شود ماده دوازدهم قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)
ماده ۱۲ - وظائف شورای عالی معارف از قرار

تفصیل ذیل است.
(۱) اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی
رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده متقدم که بعد از لفظ فارسی کلمه عربی هم نوشته شود
رئیس - يك پیشنهادی هم آقای حاج میرزا مرتضی در این خصوص کرده اند بعد قرائت می شود آقای فهیم الملک (اجازه)

فهیم الملک - اگر در کلیات این ماده مذکور می شود بنده عرضی را عرض کنم
رئیس - خبر در اجراء ماده مذکور می شود فعلا جز اول مطرح است.

فهیم الملک - در این ماده وظایفی برای شورای عالی معارف معین شده لیکن یکی از وظائف مهمه شورای عالی در اینجا اشاره نشده و آن این است که شورای عالی بمنزله محکمه استیفاء اداری است و بشکایات و اختلافاتی که نسبت بوظائف بین رؤسا و معلمین مدارس وغیره بعمل میاید محاکمه آن باشورای عالی معارف است. چون شوراهای ایالتی و ولایتی که در ماده اول ذکر شده بمنزله محکمه ابتدائی هستند تجدید نظر و استیفاء از احکام صادره آنها باید بشورای عالی مرکزی رجوع شود و ممکن است احکام او در شورای مملکتی تمیز داده شود و هیچکدام را در اینجا اشاره نکرده است بنا بر این بنده پیشنهادی کرده ام تقدیم می کنم. چون ما باید هر قدر مؤسسات مشروطیت خودمان را تکمیل می کنیم وظائف آنها را هم باید معلوم کنیم و باین این وظیفه شورای عالی هم در اینجا ذکر شود.

رئیس - آقای حاج شیخ ابراهیم زنجانی (اجازه)
آقا شیخ ابراهیم - بنده هم فرمایشات آقای فهیم الملک را تصدیق می کنم و مطابق آن بنده هم يك پیشنهادی کرده ام که این فقره افزوده شود

رئیس - ولی این مسئله راجع بجزء اول نبود راجع است باینکه يك چیزی باین ماده افزوده

شود.
نظر باینکه قسمت همده بلکه تمام احکام و بیانات مذهب اسلام بزبان عربی است و هر مسلمانی مجبور است که بقدر کفایت زبان عربی بداند و تقریباً زبان رسمی مذهبی زبان عربی است بنده پیشنهاد مینمایم در وظائف شورای عالی آنجائی که می نویسد (اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی) کلمه (و عربی) (افزوده) شود (حاج میرزا مرتضی)

وزیر معارف - این پیشنهاد را می پذیرم بکمیسیون مراجعه شود.
رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی هم بکمیسیون ارجاع می شود جزء دوم قرائت می شود (آقا میرزا ابراهیم شرح زیر قرائت نمودند)
۲ - سعی در موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و معانی.
رئیس - نسبت باین قسمت مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - جزء سیم قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)
۳ - سعی در تهیه وسائل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحتی.
رئیس - در این جزء ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)
۳ - قسمت چهارم قرائت می شود (آقای ملک آرائی قرائت نمودند)
۴ - مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی و تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و انات و تهیه نظامنامه های مدارس
رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)
فهیم الملک - بنده بطوریکه پیشنهاد کرده ام اگر آقای مخبر موافق باشند در این جزء اضافه شود (مراقبت در مدارس که خارجی ها تأسیس و دائر می نمایند) آنها بکلی از تحت نظارت معارف خارج نباشند.
رئیس - ارسال بکمیسیون میشود آقای مستشار السلطنه (اجازه)

شود.
مخبر - چون پیشنهاد آقای فهیم الملک در لایحه پیش بینی شده است و در کمیسیون هم مطرح نشده قبول آن منوط باین است که اولاً آقای وزیر معارف بپذیرند بعد هم بکمیسیون مراجعه شود

رئیس - این پیشنهاد اینجا مورد ندارد چون در جزء اول ماده دوازدهم صحبت نبود نسبت بجزء اول مخالفی هست یا نه؟ (اظهاری نشد)
رئیس - فقط دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقا میرزا ابراهیم قمی و یکی از طرف آقای حاج میرزا مرتضی کلفظ عربی افزوده شود. اگر توضیحی دارند بدهند و الا ارجاع می شود بکمیسیون

حاج میرزا مرتضی - استدعای کنم قرائت شود.
(بشرح آتی قرائت شد)

نظر باینکه قسمت همده بلکه تمام احکام و بیانات مذهب اسلام بزبان عربی است و هر مسلمانی مجبور است که بقدر کفایت زبان عربی بداند و تقریباً زبان رسمی مذهبی زبان عربی است بنده پیشنهاد مینمایم در وظائف شورای عالی آنجائی که می نویسد (اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی) کلمه (و عربی) (افزوده) شود (حاج میرزا مرتضی)

وزیر معارف - این پیشنهاد را می پذیرم بکمیسیون مراجعه شود.
رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی هم بکمیسیون ارجاع می شود جزء دوم قرائت می شود (آقا میرزا ابراهیم شرح زیر قرائت نمودند)
۲ - سعی در موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و معانی.
رئیس - نسبت باین قسمت مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - جزء سیم قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)
۳ - سعی در تهیه وسائل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحتی.
رئیس - در این جزء ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)
۳ - قسمت چهارم قرائت می شود (آقای ملک آرائی قرائت نمودند)
۴ - مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی و تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و انات و تهیه نظامنامه های مدارس
رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)
فهیم الملک - بنده بطوریکه پیشنهاد کرده ام اگر آقای مخبر موافق باشند در این جزء اضافه شود (مراقبت در مدارس که خارجی ها تأسیس و دائر می نمایند) آنها بکلی از تحت نظارت معارف خارج نباشند.
رئیس - ارسال بکمیسیون میشود آقای مستشار السلطنه (اجازه)

شود.
نظر باینکه قسمت همده بلکه تمام احکام و بیانات مذهب اسلام بزبان عربی است و هر مسلمانی مجبور است که بقدر کفایت زبان عربی بداند و تقریباً زبان رسمی مذهبی زبان عربی است بنده پیشنهاد مینمایم در وظائف شورای عالی آنجائی که می نویسد (اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی) کلمه (و عربی) (افزوده) شود (حاج میرزا مرتضی)

وزیر معارف - این پیشنهاد را می پذیرم بکمیسیون مراجعه شود.
رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی هم بکمیسیون ارجاع می شود جزء دوم قرائت می شود (آقا میرزا ابراهیم شرح زیر قرائت نمودند)
۲ - سعی در موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و معانی.
رئیس - نسبت باین قسمت مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - جزء سیم قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)
۳ - سعی در تهیه وسائل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحتی.
رئیس - در این جزء ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)
۳ - قسمت چهارم قرائت می شود (آقای ملک آرائی قرائت نمودند)
۴ - مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی و تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و انات و تهیه نظامنامه های مدارس
رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)
فهیم الملک - بنده بطوریکه پیشنهاد کرده ام اگر آقای مخبر موافق باشند در این جزء اضافه شود (مراقبت در مدارس که خارجی ها تأسیس و دائر می نمایند) آنها بکلی از تحت نظارت معارف خارج نباشند.
رئیس - ارسال بکمیسیون میشود آقای مستشار السلطنه (اجازه)

شود.
نظر باینکه قسمت همده بلکه تمام احکام و بیانات مذهب اسلام بزبان عربی است و هر مسلمانی مجبور است که بقدر کفایت زبان عربی بداند و تقریباً زبان رسمی مذهبی زبان عربی است بنده پیشنهاد مینمایم در وظائف شورای عالی آنجائی که می نویسد (اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی) کلمه (و عربی) (افزوده) شود (حاج میرزا مرتضی)

وزیر معارف - این پیشنهاد را می پذیرم بکمیسیون مراجعه شود.
رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی هم بکمیسیون ارجاع می شود جزء دوم قرائت می شود (آقا میرزا ابراهیم شرح زیر قرائت نمودند)
۲ - سعی در موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و معانی.
رئیس - نسبت باین قسمت مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - جزء سیم قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)
۳ - سعی در تهیه وسائل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحتی.
رئیس - در این جزء ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)
۳ - قسمت چهارم قرائت می شود (آقای ملک آرائی قرائت نمودند)
۴ - مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی و تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و انات و تهیه نظامنامه های مدارس
رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)
فهیم الملک - بنده بطوریکه پیشنهاد کرده ام اگر آقای مخبر موافق باشند در این جزء اضافه شود (مراقبت در مدارس که خارجی ها تأسیس و دائر می نمایند) آنها بکلی از تحت نظارت معارف خارج نباشند.
رئیس - ارسال بکمیسیون میشود آقای مستشار السلطنه (اجازه)

شود.
نظر باینکه قسمت همده بلکه تمام احکام و بیانات مذهب اسلام بزبان عربی است و هر مسلمانی مجبور است که بقدر کفایت زبان عربی بداند و تقریباً زبان رسمی مذهبی زبان عربی است بنده پیشنهاد مینمایم در وظائف شورای عالی آنجائی که می نویسد (اهتمام در ترویج زبان و ادبیات فارسی) کلمه (و عربی) (افزوده) شود (حاج میرزا مرتضی)

وزیر معارف - این پیشنهاد را می پذیرم بکمیسیون مراجعه شود.
رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی هم بکمیسیون ارجاع می شود جزء دوم قرائت می شود (آقا میرزا ابراهیم شرح زیر قرائت نمودند)
۲ - سعی در موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و معانی.
رئیس - نسبت باین قسمت مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - جزء سیم قرائت می شود (بمضمون ذیل خوانده شد)
۳ - سعی در تهیه وسائل تأسیس مدارس صنعتی و فلاحتی.
رئیس - در این جزء ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)
۳ - قسمت چهارم قرائت می شود (آقای ملک آرائی قرائت نمودند)
۴ - مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی و تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و انات و تهیه نظامنامه های مدارس
رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)
فهیم الملک - بنده بطوریکه پیشنهاد کرده ام اگر آقای مخبر موافق باشند در این جزء اضافه شود (مراقبت در مدارس که خارجی ها تأسیس و دائر می نمایند) آنها بکلی از تحت نظارت معارف خارج نباشند.
رئیس - ارسال بکمیسیون میشود آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده پیشنهادی دارم تقدیم میکنم

رئیس - ممکن است پیشنهاد را بعد بفرستید

مستشار السلطنه - بسیار خوب

رئیس - قسمت پنجم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

• تهیه دستور دارالمعلمین هاو دارالمعلماتها و نظامنامه های راجعه بآنها

رئیس - آقای دولت آبادی اجازه **حاج میرزا علی محمد دولت آبادی** - بنده عبارت دارالمعلمین هاو دارالمعلماتها را اصلاح میدانم و باید تصحیح شود

مخبر - دارالمعلمین کلمه مر کبی است که اطلاق بیک مدرسه می شود چون دارالمعلمین يك لفظ مر کبی است که چنانچه کلمه مفرد شده ممکن است در فارسی لفظ (ها) در آخر آن بگذاردیم

رئیس - چون تصحیح عبارتی است به - کمیسیون ارجاع می شود آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - چون دارالمعلمین اسم جنس است (ها) لازم ندارد

مخبر - بنا بر این لفظ مدارس هم نباید استعمال شود و همیشه باید مدرسه آفت

رئیس - قسمت ششم خوانده میشود

آقای میرزا ابراهیم خان قرائت فرمودند

۶ - تهیه دستور تقشیر اوضاع معارف و مدارس و ترتیب امتحان شاگردها

رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)

فهیم الملک - اینجا يك اصلاح عبارتی لازم است اینکه نوشته اند ترتیب امتحان شاگردان گویا مقصود این است که دستور امتحان را باید معین کنند اگر نوشته شود تهیه دستور تقشیر اوضاع معارف و مدارس و ترتیب دستور امتحان شاگردان گمان میکنم بهتر مطلب را بیروورداند

رئیس - نسبت به قسمت ششم دیگر مخالفی نیست؟

(مخالفتی نشد)

رئیس - پیشنهادی آقای فهیم الملک نموده اند بکمیسیون فرستاده میشود قسمت هفتم خوانده می شود

(بشرح آتی قرائت شد)

۷ - رد و قبول تالیفات مخصوصه بمدارس و تطبیق آنها با دستورات رسمی

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده دستورات رسمی را نفهمیدم یعنی چه؟ خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که بنده ملتفت شوم

مخبر - مقصود پروگرامهایی است که شورای عالی معارف برای تحصیلات ابتدائی و متوسطه و عالی

تهیه میکند و اینکه در اینجا قید رسمی شده برای این است که دستورات عمل و پروگرامی که شورای عالی برای تحصیلات ثلاثه معین میکند و وزیر وقت آنرا امضاء مینماید و رسمیت پیدا میکند و غیر از آن هر کس هر پروگرامی بنویسد غیر رسمی خواهد بود

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ آقای اقبال - السلطان

(اجازه)

اقبال السلطان - باین معنی که آقای مخبر برای این ماده فرمودند بعقیده بنده باید عبارت مقدم و مؤخر نوشته شود یعنی این طور نوشته شود تالیفات مخصوصه بمدارس و تطبیق آنها با دستورات رسمی ورد و قبول آنها

رئیس - این هم اصلاح عبارتی بود باید مر قوم بفرمائید بفرستیم بکمیسیون

جزه هشتم قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

۸ - نظارت در جمع و خرج بودجه معارف و مدارس

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقای ابراهیم زنجانی - بنده گمان میکنم مطالب باید طوری نوشته شود که تصور نشود اشتباهاتی که در جمع و خرج بودجه هست آنرا شوری باید رفع کند زیرا بودجه چیزی است که از طرف دولت تصویب میشود گمان میکنم مقصود هایدات و مخارج مدارس بوده این است که بنده پیشنهاد کردم هایدات و مخارج (مدارس) نوشته شود

مخبر - اولاً بودجه همان است که از طرف دولت بمجلس پیشنهاد می شود و مجلس هم تصدیق می کند بعد از آنکه تصدیق کرد بودجه رسمی میشود و اینجا مقصود همان بودجه ایست که برای مدارس و معارف تخصیص داده می شود که قبل از آنکه از طرف هیئت دولت بمجلس پیشنهاد شود بنظر شورای عالی معارف برسد و پس از تصویب شورا نظارت در خرج داشته باشد

برای اینکه يك سوابقی در این وزارتخانه ایجاد شده که هنوز فراموش نشده یکی از آنها مسئله برج قوس سال گذشته است و البته يك مرکزی لازم است که نظارت در بودجه مدارس داشته باشد که در مجلس دیگری خرج نشود باین جهت تصور می کنم این حق را در اینجا بشورای عالی معارف داده اند که این بودجه مدارس یعنی آن پولی که از خزانه دولت بصندوق معارف وارد می شود از دست برد مصون بماند

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده با توضیحی که آقای مخبر دادند لاف (بودجه) و (معارف) را زیاد می دانم • همان نظارت در جمع و خرج مدارس

کافی است

رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)

فهیم الملک - توضیحات آقای مخبر مطلب را مشکل تر کرد

زیرا شورای عالی معارف حق دارد فقط در مشورت با وزیر کمک کند و هیچ مربوط نظارت در جمع و خرج نیست زیرا وقتی گفته شد که تمام مخارج باید با نظارت شورای عالی معارف باشد لفظ نظارت لازمه اش اینست که تمام حوائج باید بامضای شورای عالی برسد لفظ نظارت بمعنی کنترل است بنده منکر این نیستم که نظارتی در بین باشد زیرا ممکن است در موقع پرداخت مواجب اختلافاتی بشود و زیر و رو هائی بشود ولیکن نظارت در این باب از وظائف شورای عالی نباید باشد شورای عالی معارف يك وظائف قانونی دارد که بکلی از این مسئله خارج است و اگر بخواهند برای تعیین بودجه اختیاری بشورای معارف بدهند بنده معتقدم که ترتیب دیگر بنویسند

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده موافقم و بعد از توضیحی که آقای مخبر خواهند داد آن وقت عرض می کنم

مخبر - مقصود از نظارت در اینجا باین معنی است که آقای فهیم الملک فرمودند نیست که هر چیزی را که اداره محاسبات وزارت معارف بخواهد مصرف کند شورای عالی معارف امضاء کند مقصود این است که نظارت داشته باشد در اینکه آن پول هائی را که برای مدارس فرستاده میشود بمدارس برسد و مطابق نظامنامه داخلی وزارت خانه این حق با خود وزیر و معاون است که باید آن صورتهای جزه را تصویب کند بنا بر این بنده تصور میکنم این قسمت برای محفوظ ماندن پولی که برای مصرف مدارس و معارف می رسد نافع باشد و مقصود کنترل حقیقی نیست

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - اولاً توضیحی را که آقای مخبر دادند در مقابل اظهارات آقای فهیم الملک هیچ کافی نبود و ممکن است ایشان در کمیسیون معارف در موقع نوشتن این عبارت مقصود دیگری داشته اند و الا مفهوم ظاهر این عبارت همانطور است که آقای فهیم الملک فرمودند لفظ نظارت چند معنی نمیتواند داشته باشد و ناچار باید بمعنی حقیقی خود اطلاق شود و این عبارت شامل حال آن فرمایشاتیکه آقای مخبر فرمودند نمیشود و من عقیده ندارم بشورای عالی معارف يك اختیار و اجازه بدهم که بهیچ وجه قانوناً مربوط بشورای عالی معارف نیست نظارت در جمع و خرج مملکت در تحت مسئولیت وزیر مالیه است و هر وزیر هم در وزارتخانه خود مسئولیتی دارد و اگر تقشیراتی بخواهد بکند همه نوع مجاز است ولی اگر ما بخواهیم قانونی بگذرانیم که برای

يك قسمت از خرج يك نظارت خاصی قائل شویم بنده مخالفم

رئیس - پیشنهاداتی رسیده است قرائت میشود

اگر آقایان توضیحی دارند می دهند و الا بکمیسیون ارسال میشود

پیشنهادی از طرف آقای زنجانی رسیده است قرائت می شود:

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که فقره هشت ماده دوازدهم باین نحو اصلاح شود نظارت در هایدات و مخارج مدارس و معارف

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - همان طور که عرض کردم نظارت در بودجه کار شورای معارف نیست خصوصاً در جمع بطور بتواند نظارت کند؟ آیا مدارس هایداتی دارند و حقوقی که میگیرند شورای معارف میتواند در آن نظارت داشته باشد که افراط نشود و چنانچه در خرج مدارس هم نظارت داشته باشند ضرر ندارد باین نظر بود که بنده این پیشنهاد را کردم

وزیر معارف - این جزه هشتم در لایحه وزارت معارف که تقدیم شده است نبود گویا مقصود کمیسیون هم همین طور بوده است که شورای عالی معارف نظارت در خرج مدارس داشته باشد و البته کمیسیون معارف هم مقصودش نظارت در بودجه وزارت معارف نبوده

مخبر - کار دارد مشکل میشود تصور میکنم اگر بصورت مذاکرات کمیسیون معارف مراجعه شود همین عبارت در آنجا ضبط است راست است این جزه از طرف کمیسیون پیشنهاد شد ولی شاهم پذیرفتید و عین آن در لایحه نقل شد و اصولاً مقصود این است که يك ترتیبی شود که مقدار پولی که از طرف دولت بوزارت معارف بعنوان مدارس میرسد صرف خودش بشود حالا این نظر بهر قسم تأمین بشود البته مقصود حاصل است و این وسیله بنظر کمیسیون آمد و آن نظارتی که میفرمایند مقصود نبود مقصود این بود که نظر داشته باشد و جوهری که میرسد حیث و میل نشود

وزیر معارف - بلی يك قسمت را قبول کردم آیا اینکه باید بشورای معارف امضاء کند این را قبول نکردم بنده قبول کردم که هر پولی که از مدارس و غیره میرسد شورای معارف نظارت داشته باشد و ببیند آنها حیث و میل نشود و بمصارف خود برسد

رئیس - آقای زنجانی پیشنهاد دیگری نموده اند قرائت میشود

(بمضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که يك فقره بعد از فقره ۸ عبارت ذیل افزوده شود تعیین اجرت ماهانه در مدارسی که از شاگردان اجرت تعلیم دریافت میشود برای هرسال

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - چون بنده دیدم خیلی اختلافات در مدارس برای گرفتن حقوق شاگردان تولید میشود خوب است شورای معارف

تعیین کند که از کلاس اول • دوم • سوم مدارس در ماه چقدر بگیرند که همیشه مرتب باشد و این خیلی نافع خواهد بود و تقریباً هم نخواهد شد

رئیس - ارجاع می شود بکمیسیون پیشنهاد دیگر راجع به آقای نصرت الدوله است قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که قسمت ۸ ماده ۱۲ حذف شود (فیروز)

رئیس - توضیحی دارید؟

نصرت الدوله - بنده توضیحات خود را عرض کردم

رئیس - ارسال میشود بکمیسیون آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده هم پیشنهادی کرده ام

رئیس - پیشنهاد آقای فهیم الملک قرائت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمک و همراهی باوزارت معارف در تهیه بودجه و مراقبت در اینکه وجوه مصوبه برای مدارس و غیره بمصرف خود برسد

رئیس - (خطاب به آقای فهیم الملک) بفرمائید

فهیم الملک - بنده بمناسبت اینکه وزارت معارف و کمیسیون شاید مقید باشند که این ماده در قانون باشد این پیشنهاد را تقدیم کردم ولی اگر حذف شود با حذف آن بیشتر موافقم

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی پیشنهاد کرده اند لفظ بودجه و معارف حذف شود

آقا میرزا ابراهیم قمی - اجازه بفرمائید

آقا میرزا ابراهیم - بنده معتقدم که لفظ بودجه حذف شود و فقط همان نظارت در جمع و خرج مدارس باشد اگر حذف شود این اشکالات هم در پیش نخواهد بود

رئیس - می رود بکمیسیون پیشنهاد آقای مستشار السلطنه هم منبیل پیشنهاد آقای نصرت الدوله است جزء نهم قرائت می شود

(اینطور قرائت شد)

۹ - تسویه اختلافات بین مدارس و اصلاح مکتب خانه های موجوده

اقبال السلطنه - مقصود از این مکتب خانه ها نمیدانم همان مکتبهای سابق تهران است که میخواهید آنها را مرتب کنید یا اینکه میخواهید آنها را حذف کنید

قذین - افلا مقصود از مکتب خانه همین مکتبخانه هائی است که در تهران و سایر شهرها و قراء هست • این مکتبخانه ها در اطراف های کوچک و يك عده شاگرد با وضعی که ملاحظه فرموده اید در

آنها جمع میشوند مقصود از این عبارت که اینجا نوشته شده است این است که با وضعیت حاضر وجود این مکتبخانه ها برای ما چندان لازم نیست ولی از طرف دیگر بستن آنها هم شاید تولید اشکالاتی بکند لذا کمیسیون با جلب نظر آقای وزیر معارف صلاح دیدند که این مکتبخانه ها بحال خود باقی بماند ولی وضعیات داخلی آنها را اصلاح کند باین معنی که در حکم يك مدرسه يك ساله و دوساله بشود • يك پروگرام مخصوصی برای آنها تهیه نشود و از حیث حفظ الصحه هم يك اصلاحاتی بشود که وقتی شاگرد از این مکتبخانه بیرون آمد افلا حد تحصیلاتش مطابق باسال دوم ابتدائی باشد پس نظری که وزارتخانه اینجا داشته است این است که این شکایت را مرتب در مدارس و شکایت ابتدائی مستقیم و یا غیر مستقیم بیفزاید •

اقبال السلطنه - بنده عقیده ام این است که این ملاحظه را نسبت به مکتبخانه نباید کرد خوب است مکتبخانه ها را تغییر بدهند و شاگردها را به مدرسه ببرند •

قذین - عرض کردم که اگر امروز وزارت معارف بخواهد این کار را بکند شاید تولید مشکلاتی بشود و امروز در این شهر تقریباً صد مکتبخانه است و یکه عده از مردم هستند که عقیده شان این است که اطفالشان بهمین مکتبخانه ها برود منتها مقصود ما این است که اطفال ایرانی تحصیل کرده باشند نهایت وضع حاضر این مکتبخانه ها قابل توجه است و باید اصلاح شود و در حدود تحصیلات اولیه ابتدائی واقع شود •

آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - این مقصود را که مخبر میگویند از این عبارت حاصل نمیشود از این مطلب اینطور فهمیده می شود که اگر اصلاحاتی مابین مدارس و مکتبخانه ها پیدا شود وظیفه شورای عالی معارف این است که آن اصلاحات را تصفیه کند و در صورتیکه برای رساندن این مقصود که آقای مخبر می فرمایند باید عبارت این طور نوشته شود در تحت نظر گرفتن مکتبخانه ها و تعیین پروگرام آنها نه این که تصفیه اختلاف بین مدارس و اصلاح مکتبخانه ها

مخبر - ناطق محترم درست دقت در این عبارت فرمودند باین ملاحظه بنده قرائت می کنم • تسویه اختلافات بین مدارس و اصلاح مکتبخانه های موجوده این عبارت در جزء است و آن نظریه ای که جنابعالی دارید در ضمن جمله دوم مندرج است

رئیس - آقای میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده يك اصلاح عبارتی در نظر دارم • تسویه اختلافات خوب نیست • رفع اختلافات

نوشته شود .

رئیس بنویسد بکمیسیون فرستاده میشود آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - هرا بضم راجع بنظریه آقای اقبال السلطنه است اگر موقع است عرض کنم همان مکاتب که در سر کوجه و بازار هست مدارس مقدماتی است و نباید ما حدیث را بخوایم همانطور که مغیر محترم فرمودند باید اصلاح شود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - هرا بضم بنده را آقای مغیر فرمودند دیگر عرض ندارم .

رئیس جزء دوم قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

دو - تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدایا و اعانه به معارف میرسد و وجوه موقوفاتی که با اختیار وزارت معارف گذاشته شده باشد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

حاج شیخ اسدالله - راجع باعضای شورای معارف بنده در آن جلسه پیشنهاد کردم که لفظ روحانی در آنجا اضافه شود یک نظرم وظایفی بود برای شورای معارف معین میشود که یکی راجع به کتبی است که تألیف میشود و رد قبول آن برای مدارس یکی دیگر راجع به موقوفات است که آن موقوفاتی که در این مملکت است چند قسم است یک قسمش دولتی معین و مصارف معین دارد یک قسمش متولی معین دارد و مصرف معینی ندارد و ممکن است بعضی از قسمتها متولی نداشته باشد لهذا تولیت این قسمتها حاکم شرع است بعضی از موقوفات که متولی و مصارف معین ندارد مطابق قانون مملکتی نظارت آن با وزارت معارف است حتی موقوفاتی که متولی و مصارف معین هم دارد وظایف وزارت معارف است که در آنها نظارت کند حالا اینجا این اختیار را میدهد بشورای معارف که موقوفاتی بود که مصارف و متولی معینی ندارد مصارفش را معین کند اگر آن پیشنهادی که بنده آن روز کردم که در شورادونفر از علمای روحانیین باشند تصویب نشود آنوقت میتوان تصدیق کرد که این قانون قانونیت ندارد زیرا مصارفی را که آنها معین می کنند مطابق قانون شرع است و حق با آنهاست اما اگر بنا شود با اشخاص غیر صالحی (اگر چه همه صالحند) بخواهند این مصارف را معین کنند اینرا بنده تصدیق نمیکنم زیرا مطابق قانون شرع نیست پس باید در آنجا دونفر حاکم شرع باشد که موقوفاتی را که مصرف معین ندارد معین کند حالا بیشتر از این توضیح نمیدهم و یک پیشنهادی هم بنده کرده ام که اگر کمیسیون تصدیق کنند گمان میکنم این ترتیب اصلاح شود و اگر آن پیشنهاد را کمیسیون رد کند بکلی این قانون ضایع و باطل میشود

رئیس - آقای سدیدالملک

(اجازه)

سدیدالملک - بنده قبلاً یک توضیح می خواستم که به بینم آیا موقوفاتی در تحت نظارت و اختیار وزارت معارف گذاشته شده است یا خیر؟

مخبر - عرض میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله درست دقت فرموده اند بنا براین لازم است قسمت دوم را قرائت کنم .

قسمت دوم - تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدایا و اعانه به معارف میرسد و وجوه موقوفاتی که با اختیار وزارت معارف گذاشته شده باشد . این موقوفات کدام است؟ بنده ناچارم قانون معارف را در دوره دوم که در سنه ۱۳۲۸ مجلس تصویب کرده است و وظایفی را که برای آن اداره معین کرده است آن مواد را قرائت کنم که معلوم شود در آن قانون کدام قسم از موقوفات در تحت اختیار وزارت معارف گذاشته شده است محتاج به رجوع ثانی و ثالث دیگری نیستیم مگر آنکه اعتراض کنیم که آن ساده نسخ شود بنا براین بنده آن ماده را میخوانم .

ماده ششم - وظایف اداره اوقاف

۱ - تحصیل صورت صحیح از وقف نامه ها و موقوفات مرکزی و ایالتی و ولایتی و بلوکات از کل ممالک ایران

۲ - نظارت کلیه بر اعمال متولیان و نظارو تفتیش در وصول و ایصال عایدات و اوقاف و ضمانت از حیف و میل اولیاء و مباشرین وقف نسبت باعیان و منافع موقوفات و تدارک موجبات آبادی آنها

۳ - اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر بادولت است

۴ - مراقبت در صرف عایدات اوقاف بمصارف مخصوصه خودش حسب ماوقفها اهلهما

۵ - اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود (در مصارف تعلیمات و فواید عمومی)

۶ - اداره کردن موقوفاتی که متولی مخصوص ندارد به موجب اذن از طرف یکی از حکام شرع پس مطابق این قانون موقوفاتی که در تحت اختیار وزارت معارف گذاشته شده است تعیین مصارفش با شورای عالی معارف است باین مناسبت لازم نداریم یک نفر را ببریم در شورای عالی معارف که در این موضوع حکمیت کند .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - در این ماده اشتباه کرده اند مور قانون اساسی معارف هست موقوفاتی که با اختیار وزارت معارف گذاشته شده ولی نظر بآن قانون نیست اینجا مقصود این است که یک کسی یک چیزی را وقف میکنند و تولیت آن را بعهده وزارت معارف میکنند مثل اینکه من یک چیزی وقف می کنم و سلطان وقت را متولی قرار میدهم او هم حق خود را بوزارت معارف واگذار میکنند و تعیین مصارف آن را وزیر میکنند مربوط بقانون اوقاف نیست حتی بآن مواد هم مربوط نیست

یعنی کسانی که بعد از این انشاء الله ملکهائی را وقف معارف خواهند کرد و مصرف آنها بوزارت معارف واگذار خواهند نمود وزارت معارف مصرف آنها را مطابق این قانون بشورای عالی معارف واگذار خواهند کرد .

مخبر - بنده برای تأیید همان قسمتی که عرض کردم باز عرض میکنم این ماده که در اینجا نوشته شده است عیناً نقل از آن قانون شده است که در مجلس دوم وضع شده است که می نویسد تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدایا و اعانه به معارف میرسد و وجوه موقوفاتی که با اختیار وزارت معارف گذاشته شده است این یک ماده است که در آن قانون در سنه ۲۸ بتصویب مجلس رسیده است که حالا در این قانون نوشته میشود

رئیس - آقای سدیدالملک

(اجازه)

سدیدالملک - بنده عرض کردم که اگر موضوعات در تحت اختیار وزارت معارف گذاشته شده است باید نوشته شود موقوفاتی که با اختیار وزارت معارف گذاشته شده و می شود .

رئیس - این اصلاح عبارتی است بنویسد بکمیسیون فرستاده می شود به آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده عرضی ندارم هرا بضم گفته شده

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده با راپورت و توضیحات آقای مغیر موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - آقای مغیر در ضمن توضیحی که دادند یک ماده قانون خوانند که موقوفاتی که با اختیار وزارت معارف گذاشته شده مصرف آنها را باید تعیین کنند

اما باید تحصیل اجازه از مجتهد بکنند در آنجا این مسئله تصریح دارد و در این قانون آنرا ملغی کرده اند و باین حال می گویند در شورای عالی معارف یک نفر روحانی نباشد اگر باین ماده عمل بکنند و شورای معارف دارای دونفر از علماء باشد که موقوفاتی که با اختیار وزارت معارف و اوقاف گذاشته شده باشد مصرفی را که این شورای عالی معارف معین میکنند با اجازه حاکم شرع باشد بنده هم موافقم ولی اگر بخواهد خود شورای عالی معارف تعیین کند بنده تصویب نمی کنم و قانونیت هم ندارد چون مطابق قانون اساسی باید قوانینی که در مجلس وضع میشود مخالفت با شرع نداشته باشد و این که میگویند فرض موقوفاتی است که تولیت آن بوزارت معارف واگذار شده اشتباه می کنند برای اینکه

اگر مردم بداره اوقاف اطمینان پیدا کنند و یک اداره اوقاف صحیحی پیدا کنیم و تولیت و نظارت موقوفات را بداره اوقاف واگذار کنند و معارف آنرا بنظر اداره اوقاف معین نمایند هیچ عیبی ندارد زیرا یک چیزی وقف شده و مستولی هم معین شده ولی مقصود از این ماده این نیست ماده می خواهد بگوید یک موقوفاتی که مصرف معین ندارد و نظارتش بداره اوقاف است مصرف آنرا شورای عالی معارف معین کند در صورتیکه وزارت معارف خودش مستقیماً نمیتواند بمصارف معینه که خود او معین می کند برساند و باید دونفر از روحانیین در شورای معارف باشند و اگر نباشند باید این شوری در مصرفی را تصویب می کند تحصیل اجازه از یک نفر از علماء بکنند

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - دو جلسه است که در موضوع مذاکرات قانون معارف بعضی از هم نظاران محترم مکرر در مکرر سه چهار لفظ را تکرار می کنند باید دانست که این مسئله یک چیزی نیست که اختصاص بخود آنها داشته باشد بلکه مربوط و متعلق بهمما هاست و مثل این است که میخواهند سایرین را محروم از این حق بکنند نهایت تعجب است بنده تعجب می کنم لایتقطع از برای هر ماده لغت اسلامی لغت روحانی لغت حجج اسلامی تکرار میشود

اینها توضیح واضحات است مثلاً اگر بخواهیم یک اجازه از آقای رئیس بگیریم باید یک کلمه روحانی هم بپوشیم بگذاریم اینقدر تعقیب این مسئله مثل این است که خدای نا کرده نظریه بر علیه قوانین اسلامی باشد

این مملکت مملکت اسلامی است و تمام مواد قانون هم مطابق ماده دوم قانون اساسی موافق با قوانین اسلامی نوشته می شود

اخیراً فرمودند اگر این قانون باین ترتیب بگذرد و دونفر از علمای روحانی در شورای عالی معارف عضویت نداشته باشند این قانون مطابق شرع نیست این یک چیز فریبی است بنده قانون اساسی را خوانده ام و در اینجا هم حاضر است مخصوصاً تصریح میکنند آن بنده ماده دوم را میخواهم ملاحظه فرمائید شاید بنده فراموش کرده باشم مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بطل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تاسیسی شده است

باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قوانین مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد .

آنها تصدیق نمیکنم که این قوانین مذهبی ماهست که حکماً باید در شورای معارف مادونفر عالم روحانی باشد تا بنده بگویم که اگر رأی نهم مخالف با

قوانین اسلامی است بنده کاملاً مخالف این مطلب هستم بجه مناسبت باید در شورای عالی معارف دو نفر از آقایان روحانی باشد .

البته وزیر میتواند با شرایط معینه چند نفر را انتخاب کند و فلسفه اینکه حکماً باید دونفر روحانی باشد چیست ؟

مثلاً اگر وزیر مصلحت دانست که هر پنج نفر را از روحانیون انتخاب کند مخالفید ؟ پس چرا محدود می کنید .

کدام فصل در قانون اساسی است که حکماً علمای روحانی باید در شورای عالی معارف انتخاب شوند گمان میکنم همچو فصل و ماده در هیچیک از قوانین وجود نداشته باشد

باز تکرار عرض میکنم که وزیر معارف مختار و مجاز است اشخاصی را که دارای صلاحیت و شرایط معینه بداند انتخاب کند حالا خواه هر پنج نفر را از علمای روحانی انتخاب کند یا دونفر یا سه نفر یا هیچ این بسته بنظر وزیر است پس خوب است این فرمایش را نفرمائید و رأی اشخاص را هم تهدید نفرمائید

بنده عرض می کنم ولو این پیشنهاد هم از مجلس بگذرد بنده یک نفر رأی نخواهم داد و برخلاف شرع مطاع هم نمیدانم زیرا می خواهم وزیر را آزاد و مختار کرده باشم که اگر نتوانست پنج نفر انتخاب کند نه دونفر یا کمتر یا بیشتر شما چرا او را محدود می کنید

اگر هر پنج نفر را ثابت کرد آری بهتر رعایت قوانین مذهبی نمیشود این چه اصراری است که حکماً دست وزیر را بپندید که کلاً باید دونفر انتخاب شود البته همه ما ما مسلمان می خواهیم قوانین مذهبی مان پیش برود اما این چه اجباری است که دونفر را انتخاب کند شاید اگر مقتضیات اجازه داد وزیر هر پنج نفر را از علماء روحانی انتخاب کرد و البته او آزاد و مختار است آدمی سر اوقاف مصرف موقوفات با اختیار وزارت معارف گذاشته شده و قانون آن هم بطوری که آقای مخبر فرمودند در دوره دوم مجلس با حضور علماء طراز اول گذاشته است حالا چنان عالی می فرمائید بپایند اصلاحش کنم در اینجا نوشته شده :

اوقافی که با اجازه یک نفر از علماء با اختیار وزارت معارف گذاشته شده . این را هم عرض کنم که امروز بدبختانه در مملکت ما هر کس لباس اهل علم پوشید خود را عالم می داند . این اجازه را باید یک نفر عالمی که واجد شرایط مقرره باشد وقتی حکمت و قضیت گفتن را داشته باشد باید بوزارت معارف بدهد و البته وقتی که او این اجازه را داد دیگر مسئله تمام میشود

آنوقت وزیر پس از گرفتن این اجازه از حاکم شرع مطابق قانون مصوبه دوره دوم که با نظریه علمای طراز اول نوشته شده و آن قانون هم رسمی است دیگر محتاج باین قید نیست و بنابراین وزیر در تعیین اعضاء آزاد خواهد بود لذا بنده ضرورتی برای این قید نمی بینم باز اگر اجازه بدهید خارج از موضوع نمیدانم

عرض کنم که باید یک فکر اساسی برای این اوقاف کره زیرا اگر موقوفات بهمان مصارف اصلی خود صرف شود فقرا در مملکت ما کمتر از این خواهند بود شرع هم ترتیب مصرف اوقاف را معین کرده و چیزی را که خدا و رسول خدا و تمام زندگان دنیا تصدیق کرده اند باید عمل کرد و موقوفات را باید بمصارف خیریه و بمصرف ضعفا و فقرا رسانید و به عقیده بنده قبل از همه چیز هم تحصیل علم کردن آنها است زیرا اگر آنها را لباس و غذا بدهند موقتاً بدین اوقات قوت کرده اند اما اگر او را بدمدرسه بگذارند و روح او را تعلیم و تربیت کنند هیچوقت گمراه نخواهد شد باین بدبختی و فلاکت هم نمی افتد کدائی هم نمی کند و با یک سرمایه صحیح علمی همیشه می تواند جاوید و پایدار بماند پس محققاً بهترین مصارف خیریه این است که اطفال را بدمدرسه بگذاریم و روح آنها را تربیت و تعلیم کنیم و آنها را از کرداب ظلمت و جهالت خلاص کنیم و این مسئله مطابق با شرع مطاع و حدیث نبوی است که می فرماید طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمه پس بقیه بنده خوب است سعی و اهتمام کنیم که این حدیث شریف نبوی را به موقع اجرا عمل بکنیم

رئیس - چون در جزء دوم لایحه شورای عالی معارف از طرف آقایان اجازه زیاد خواسته شده است بالفعل اگر آقایان موافقت کنند خوبست جلسه را تعطیل کنم و بقیه مذاکرات بعد از نفس ادامه داده شود .

(در این موقع آقایان نمایندگان برای نفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت جلسه تشکیل گردید .)

رئیس - بقیه مذاکرات در لایحه شورای معارف می ماند برای جلسه دیگر بالفعل راپورت کمیسیون بودجه مطرح است و اساسی اشخاصی که در این باب اجازه خواسته اند محفوظ مانده . آقای سلطان العلماء فرمایشی داشتند ؟

سلطان العلماء - بنده میخواستم عرض کنم اجازه که در موضوع شورای عالی معارف خواسته بودم برای جلسه بعد محفوظ بماند

رئیس - پس محفوظ خواهد ماند آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - در پیشنهادی که راجع به مواد لایحه بودجه و خجالی از آقایان رفقا آن پیشنهاد را امضاء کرده اند در جلسات قبل از برای توضیح مذاکراتی بعمل آمد و بنده و سایر آقایان توضیحات مخالف خود را اظهار نموده اند ولی چون بالاخره پایانی برای این قبیل مذاکرات در مجلس باید باشد و ختم شدن مذاکرات هم برای دادن است و بنده هم تصدیق اقلیت و اکثریت و بعبارة آخری آراء همه مجلس را می دانم بنابراین زیاد بر آنچه عرض کردم دیگر چیزی عرض نمی کنم حالا بسته به حکمت آقایان و کلاس است که هرا بضم مارا شنیده اند و هر کسی رای خود را خواهد داد . اکثریت رأی خود را میدهد و اقلیت هم همانطور که اظهار عقیده کرد

رأی خواهد داد
رئیس - آقای تدین
(اجازة)

تدین - عرضی ندارم
رئیس - پس رأی باید گرفت باین پیشنهاد که مشتمل بر سه ماده است چطور باید رأی گرفت ؟ بمقیده بنده باید رأی گرفته شود داخل در شور مواد لایحه پیشنهادی کمیسیون بودجه بشویم یا نه ؟ اگر رأی دادند داخل در شور مواد شویم آنوقت معلومی شود که این پیشنهاد رد شد و اگر رأی ندادند آنوقت داخل در شور این پیشنهاد می شویم اگر هم پیشنهادی دارید که قبلاً در این پیشنهاد رأی گرفته شود بفرمائید

سایمان میرزا - در صورتیکه فرمودید ممکن است مطابق این پیشنهادی که ما کرده ایم رأی گرفته شود تقاضا می کنم همانطور رفتار شود

سر دار معظم - آنوقت چه شکلی پیدا میکند فرض می کنم این پیشنهاد قابل توجه شد بعد چه می شود ؟

رئیس - اگر قابل توجه شد بر می گردد بکمیسیون و مذاکرات در اصل رایبورت کمیسیون توقیف میشود .

سر دار معظم - پس این در واقع نسبت برای بورت کمیسیون بودجه يك اصلاح و آماندومانی است که پیشنهاد شده است .

رئیس - بلی پیشنهاد قرائت می شود و رأی می گیریم
آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی نظر باینکه تعیین بودجه مملکتی بر روی احتیاجات حتمی و ضروری است و پیشنهاد کمیسیون بودجه بدون توجه کامل باین مسئله فقط شامل اختیاراتی است که بوزارتخانه ها داده شده و از این رو نتیجه قطعی و عاقبت آن را که اطمینان از صحت و لزوم تشکیلات باشد نمیتوان قبلاً تشخیص داد

علی هذا امضاء کنند گمان ذیل از دادن رأی مبهم و علی العمیاء معذور بوده بالضروره مواد ذیل را بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید .

ماده اول - مطابق ماده واحده که بمجلس شورای ملی بکمیسیون بودجه مأموریت داده که با مشارکت دولت بودجه های جمع و خرج را تهیه کرده بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید .

کمیسیون بودجه و دولت مکلفند که هر چه زودتر بودجه جامعی که متناسب با احتیاجات و عایدات مملکتی باشد تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم دارند .

ماده دوم - قبل از تقدیم بودجه مذکور باید دولت صورتیکه متضمن شرح کلیه عایدات باشد به ضمیمه بودجه معمولی کنونی بمجلس تقدیم دارد تا بنظر نمایندگان رسیده از آن رو تغییراتی که در بودجه قدیم وجدید حاصل می شود مقایسه و بصیرت کامل حاصل نماید .

حاصل نماید .
ماده سوم - در صورتیکه بودجه های جدید تا اول حوت بمجلس تقدیم نشده باشد دولت حق هیچ گونه مخارج بدون اطلاع و تصویب مجلس نخواهد داشت .

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

نصرت الدوله - بنده عرضی دارم
رئیس - بفرمائید

نصرت الدوله - بنده می خواهم از مقام ریاست تقاضا کنم یکمرتبه دیگر توضیح شود که وظیفه اشخاص موافق و مخالف این پیشنهاد و اینکه اثر این رأی چیست درست معلوم شود

رئیس - عرض کردم رأی می گیریم باین پیشنهاد اشخاصی که با این پیشنهاد موافقت رأی بموافقت خواهند داد و مخالفین رأی نخواهند داد بعد اثرش این است که اگر اکثریت بمخالفین پیشنهاد بود مذاکره در رایبورت کمیسیون بودجه توقیف می شود و پیشنهاد بکمیسیون ارجاع خواهد شد

اگر اکثریت بمخالفین بود رایبورت کمیسیون بودجه تعقیب و مطرح می شود ولی اگر پیشنهاد قابل توجه نشود يك رأی ثانوی هم باید بگیریم که داخل شور مواد لایحه پیشنهادی کمیسیون بودجه شویم یا نشویم چون ممکن است بعضی با هر دو مخالف باشند

قبلاً رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد رأی می گیریم که داخل در شور مواد رایبورت کمیسیون بودجه بشویم یا نه ؟

آقایانیکه تصویب می کنند داخل در شور مواد بشویم قیام کنند .

(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شده اول رایبورت کمیسیون قرائت می شود .

خاطر آقایان را متوجه می کنیم اساس لایحه همین ماده اول است آقایانی که با لایحه مخالف هستند می توانند در ضمن شور ماده اول مخالفت خودشانرا اظهار دارند و برای اینکه آزادی نطق برای آقایان مخالفین باشد ممکن است مذاکرات ماده اول را در این جلسه و جلسه بعد ادامه بدهیم تا اشخاصی هم که غایب هستند تشریف بیاورند و مخالفت خود را اظهار نمایند .

(ماده اول بمضمون ذیل قرائت شد)
تشکیلات مملکت و وزارتخانه ها مطابق ضمیمه ذیل اعتبار داده می شود که در حدود آن اعتبارات بودجه در جزء خود را تهیه کرده برای تصویب بمجلس شورای ملی توسط وزارت مالیه ارسال دارند

رئیس - آقای سایمان میرزا

(اجازة)
سایمان میرزا - بنده مر چند بعد از اینکه مقدرات پیشنهادیکه شده بود معین شد و در داخل شدن شور مواد رأی داده شد البته هر قدر عرض کنم بخوبی می دانم بی نتیجه خواهد ماند یعنی صاحبان آراء و آن هائی که موافق بوده اند داخل در شور مواد شوند از روی دلالتی که در نظر خودشان صحیح و قطعی است تصمیم فرموده اند رأی خود را تا آخرین نظر مواد رایبورت کمیسیون بودجه تعقیب نمایند و کاملاً بودجه را بهمین ترتیب (بیخشد معذرت می خواهم) ارائه عرض کردم بودجه زیرا این بودجه نیست و اعتبار است) این روزه اعتبار را بنام بودجه بگذرانند البته همین طور که این برای آقایان بمقیده خودشان مطابق مصالح مملکتی و صرفه و صلاح مملکت و مطابق باتمام قوانین است متأسفانه یا خوشبختانه بنده آنرا کاملاً موافق مبل ورأی خود نمیدانم اینجا يك اختلاف نظری هست و نباید زیاد متأسف بود زیرا در غالب امور اختلاف نظر وجود دارد مخصوصاً در امور شرعی و مذهبی که از این قبیل اختلافات نظر زیاد است مثلاً علمائی پیدا میشوند که يك نوع فتوا می دهند و در امور شرعی يك نوع حکم میکنند و يك قسمت دیگر برعکس و برخلاف آنها احکام را شرع دیگر تفسیر میکنند چنانچه بطور مثال عرض می کنم که این بابویه علیه الرحمه (مرحوم شیخ صدوق) که یکی از اهل علماء و اعظم پیشوایان شیعه و از اجله مجتهدین است يك رأی و سابقه مخصوصی داشته که شاید در این رأی منحصر بفرود بوده است و سایر علمای عصر اولین عقیده را نداشته اند

مثلاً وضو را با کلاب که دیگران آب مضاف و حرام می دانند شیخ علیه الرحمه او را تصدیق کرده و نماز را درست و صحیح می داند حالا اگر کسی می تواند بمقام منز و عالی مقدار آن بزرگوار جسارت کرده و بگوید او فهمیده است ؟ و یا در همین حال می توان نسبت بساحت سلامتی دیگران که برخلاف او عقیده داشته اند و وضوی با کلاب را باطل دانسته اند گفت که آنها فتواشان دارای خلل و شائبه بوده است ؟

خیر عقیده هر کدام در مرتبه خود صائب و بجا بوده زیرا هر يك از آنان مطابق عقیده و سابقه مخصوصی خودشان يك فتوای داده اند حالانمی خواهم عرض کنم مرحوم سید مرتضی در این موضوع چه عقایدی داشته و چه فرموده این وظیفه آقایان علماء است که بیشتر در امور شرعی احاطه دارند مقصود این است در شرع مقدس هم این قبیل اختلافات هست چه رسد بمطالب سیاسی و قوانین اساسی که هنوز در مملکت ما عادات و اخلاق باین اصولی که هفده سال است ایجاد شده آشنا و آموخته نیستند و متدرجاً باید مردم باین اصول واقف و آشنا شوند فرق نمی کند خواه وزیر خواه و کپل - خواه

افرادناس بنده خود را عرض میکنم البته روز اول که مملکت مشروطه شد چیزهایی را که امروز کم و بیش می دانم نمی دانستم و کم کم تحصیل کرده ام حالا شاید این تفسیراتی که از مواد قانون اساسی می کنم در

نظر بعضی خطا باشد ولی بنظر بنده و يك همه از آقایان که باینده هم عقیده هستند شب و عکس آن خطا است و بالاخره بابان مذاکرات برای اکثریت است و در همه جای دنیا اکثریت مطالب را بزور اکثریت خود از بین می برد و این نکته را زائد نمی دانم صمیمانه و بدون اینکه خدای نا کرده قصد توهین داشته باشم عرض کنم که نمی توان بخود غرور و مغرور باشن و تصدیق کنند که این کاری را که ما انجام آن موفق شدیم حق واقع و حقیقت محض است زیرا اگر تصدیق کنیم هر چه را که اکثریت قبول کرد صحیح و قطعی و خالی از اشتباه است

عکس آن بی مورد و اشتباه است آنوقت دیگر وجود مجلس شورای ملی و ادامه اش بی فایده میشود

مجلس شورای ملی در همه جای دنیا (که در همه چیز بر مراتب از اجلاوتر و بیش ترند) بعضی از قوانین را که اکثریت آنها از مجلس خود گذرانده هنوز حرج و تعدیل می کنند و تصدیق دارند که غالب آرائی که اکثریت داده اشتباه بوده و امروز هم بعد از اینکه بنده و سایر مخالفین رایبورت هر چه قدر بتوانیم اظهار عقیده کرده و اثبات دلالت کنیم شاید اکثریت مجلس قائم نشود

ولی در همین حال بنده و رفقای خود را معق میدانیم و آقایانی هم که رأی میدهند مطابق عقیده خودشان را نشان موافق صلاح مملکت است ولی بعد دنیا و افکار عامه تصدیق خواهد نمود که حق با کدام است آنها را هم نمیتوان خائن دانست چنانچه عرضی کردم حکمیت این مسئله را بعد از مردن همه ما در ادوار و اعصار بعد اشخاص که از مدرسه بیرون می آیند و مثل مادر فشار و تضییقات نیستند خواهند نمود .

آرزوی روز حکمیت و قضاوت است باید عرض کنم که این ماده بنظر بنده يك غلط عبارتی هم دارد (وما بفرض که صحیح هم باشد چون کلیه اش را ما قبول نکردیم این را هم قبول نخواهیم کرد)

ولی عبارت بنظر بنده غلط است زیرا نوشته شده است بتشکیلات مملکتی و وزارتخانه ها مطابق ضمیمه ذیل اعتبار داده میشود .

این تشکیلات و وزارتخانه ها شخصاً نمیتوانند بودجه بنویسند

بعقیده بنده عرض این دولت نوشته شود بوزراء اعتبار داده می شود که بودجه خودشانرا بنویسند مگر اینکه آقایان بفرمایند این هم مثل یکی از چیزها نیست که نظیر آنها هم در قرآن مجید هست

مثلاً وقتی که گفته میشود و اسئل القریه یعنی سؤال کنید از آزادی و قریه ای اهل القریه یعنی از اهل قریه سؤال کنید یعنی وقتی اعتبار می دهند به تشکیلات مملکتی و وزارتخانه ها ما باید در تفسیرش اینطور بفهمیم یعنی بوزراء اعتبار میدهند اگر مقصود این تعبیر است و مقصود از تشکیلات وزیری

است که در آن وزارتخانه است آنوقت بنده میتوانم قبول کنم که عبارت درست است ولی این عبارت فعلاً بنظر بنده غلط است زیرا میز و صندلی و افرادیکه روی میز و صندلی ها می نشینند این اختیار را ندارند بهر حال اینکه يك اصلاح عبارتی است باز بر میگردیم به اصل قضیه بدون اینکه بنده مذاکرات سابق را تکرار کرده و تکریم فلان ماده قانون اساسی فلان میگوید ماده دیگرش چه میگوید بودجه باید سالیانه باشد و این چهل پنجاه روزه است عرض می کنم آقایان فلسفه که برای این کار قائل شده اند این است که ما جمعمان کم است و بعضی از آقایان موافقین بعضی فرمایشات فرمودند که چون رأی دادند بنده موفق نشدم جواب فرمایشاتشان را عرض کنم ولی همانطور که آقای رئیس فرمودند می دانستم که موقع از برای مخالفین هست که اظهارات خودشانرا بنمایند

یکی این ماده اول یکی دیگر هم اگر بنده درست ملتفت شده باشم در موقع مذاکرات در کلیات در آخر شورائی نیست که در این دومورد مخالفین هر چه بخواهند می توانند بطور کلی و آزادانه صحبت کنند .

رئیس - بلی همینطور است

سایمان میرزا - پس حالا که آقای رئیس تصدیق فرمودند که موقع برای مخالفین هست که میتوانند اظهار عقیده کنند و حالا چون یکی از آن دومورد است عرض می کنم که ممکن است صورت جزع عایدات این مملکت را بیاورند متأسفانه در مقابل این عرض بنده جواب داده شد این مسئله باین زودی ممکن نیست و غیر ممکن است باین زودی صورت خارجی پیدا کند بلکه بعضی از آقایان فرمودند که تاش شاه دیگر هم نمی شود این کار صورت پذیرد و صورت جزع جمع را بیاورند خوب در صورتیکه اینطور است آقایان نمی توانند صورت جزع عایدات را بدست آورند پس نیست بدستی که در مواد دیگر معین شده چه خواهند کرد (عفو بفرمائید) تجربه و آزمایشها ما ثابت و مدلل گردید همینکه امروز ما این رأی را دادیم دیگر حوت سال آینده هم بوصول بودجه نخواهیم رسید امرار وقت و تحمل در امور سبب می شود که بگویند اعتبار مصوبه مجلس همان بودجه مصوبه است چنانچه نظایر آنرا مکرر دیدیم که متأسفانه دولتهای وقت اوقاف را از دست می دهند چنانچه چند لحظه قبل هم راجع بشورای عالی معارف گفته می شود بکفته اگر باشد کم است و ممکن است وزیر فراموش کند و روز آخر هفته متوجه می شود که وقت گذشته است شاید این تقصیر وزراء نباشد و اساساً این عادت عمومی مملکت است که امرار وقت کنیم تا ببینیم چه شود و می گوئیم انشاء الله درست میشود (البته اگر خدا بخواهد درست می شود) هیچ چیز جز اراده خداوندی صورت نخواهد گرفت این را عرض کردم برای اینکه سوء تفاهات در مجلس شورای ملی زود در مسئله شرع پیدا می شود و انعکاس پیدا میکند

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته باشند (این بدبینی بنده است که اینطور عرض کردم) و در نتیجه از اثر کیف مایشائی آقایان وزراء مشاهده شود که یکدسته بر یککارهای این شهر افزوده شد متأسفانه و بدبختانه انکار نباید کرد کسانی هم که بر عده بیکارها افزوده خواهد شد کسانی خواهند بود که بیشتر صحت عمل داشته باشند و بدبخت تر باشند و غالباً آنهاست هستند که واسطه وسیله ندارند . تمول ندارند یا متکی باشخاص بزرگ و اشراف ندارند که بآن وسیله اسباب طرف ملاحظه زمامداران واقع شوند و بالاخره کار خود را از پیش ببرند غالباً اشخاصی هستند که تازه از مدرسه بیرون آمده اند بنده باز تکرار میکنم که در این مملکت بیچوجه امتیاز فضلی در کار نیست و این هم یکی از بدبختی های بزرگ است بنا بر این حال شاگردان تحصیل کرده دارالفنون و سایر شاگردان تحصیل کرده معلوم است در این مملکت هر کسی دست باشخاص ذی نفوذ داشت و پدرش حضرت اشرف و خان شاهزاده و منتقد و معمل ملاحظه بود یا هر کسی انومیل سوار شد و پارک داشت فوری رئیس و مدیر کل می شود و تمام فضیلات و مملو مملات را دارد مثل بابا طاهر عربان صحبت کرد یا واسیت هریباً آقا فردا همین که همیش وزیر یا حاکم شد بدون رعایت فضلی بدون سابقه علمی بدون لیاقت و کفایت ذاتی فقط بنام اینکه آقا زاده است هیچوقت هم کتک نخورده سزه سیلی استاد و شمانت والدین را نچسبیده منزه و مقدس است و اگر قدری دور تر رفته نظری بدوره ناصر می افکنیم می بینیم که همان آقای پاک و طاهر در اندرون پادشاه خواه بیچاره را هم کشتند جانی بوده و هزاران اعمال قبیحه و زلیله را مرتکب شده با همه حال آنوقت این خیانت و خطاها فراموش شده وزیر یا رفته و ابداً منظور نظر نیست افسوس که حافظه نیست حتی بالاتر عرض کنم کسی که مادر خودش را مقتول نموده خلاف عرض نکرده و بدون خوف و پروا حاضر می با استناد ثابت و مدلل دارم و شاید آنکس از اقوام و بستگان خود هم باشد ولی چون شاهزاده و دارای حبی عالی و تمول و قدرت است فوری وزیر و امیر و فعال مایشاه می شود و آنوقت بدبخت یکمده اشخاص تحصیل کرده بیچاره مظلوم محکوم اراده شخصی و وحشت از آنها می شوند کسی که از لطف ولایت در اندرون و حرم سرا ها برای تفریح چشم حیوانات را بیرون آورده و چه و چه کرده وقتی که حضرت اقدس و حضرت اشرف شد وقتی هم که حکم فرما و والی شد چون معلومات ندارد تا چیزی می شود فوری می گوید یا دست مقصر را ببر ؟ متأسفانه اینها یکمده هستند که در مملکت ما مصدر امور همه و مستندهای عالی می شوند بطور عموم عرض میکنم ولی همین قدر عرض می کنم که برای این قسمت از مردم وسائل ترقی و تعالی بیشتر و بهتر فراهم و میسر است تا برای آنها کرد بی کسی که از مدرسه بیرون آمده حالا بطور مثال عرض می کنم که مثلاً مأمور صحیح العملی

فرض حادث عموم این است که يك قدری امرار وقت کنند که کار گذشته باشد اینها هم مقصود این است که يك اعتباری پیدا کنند و يك اختیار غیر معدودی داشته

باموریت رفته وقتی از مأموریت برمی گردد خاصه اگر مأموریتی باشد که بولهای زیر دستش باشد آنوقت اگر دزدی نکند اگر چه پنج هزار تومان از مال دولت و بیت المال مردم سرت نکند باشد وقتی که بر می گردد اقوام و دوستانش او را ملاقات می نمایند و می گویند ای بوی هر ضه ای بی کفایت بیچاره دست و پا نداشت ولی اگر دزدی کرد و بی دست و پا نبود مقداری مال دولت را بیاد بیافا داد فردا که می آید وقتی که کابینه تغییر کرد و اوضاع صورت دیگری بخود گرفت احوال او فراموش و از خاطر بیرون میرود و آن وقت با حمایت این و آن نیست بهتر و عالی تر ا اشغال خواهد کرد بلی همانطور که یک دوره طهران جزه مطهرات بود حالا بستگی و قریابت بود کلاه جزه مطهرات است بنا بر این دزد دزد صاف می گوید و از هدهدهاش هم بر می آید این سارق که بیت المال مسلمین را دزدیده و مطابق شرع اظہر مجازات دارد با اینکه در هر چیز دست کرده ایم که بگوئیم حکماً بیلوی فلان ثبات هم باید دونفر روحانی بنشیند و با اینکه همه نوع ادعای اسلام خواهی می کنیم معذالك نمی خواهیم دست این دزد را از بیت المال جامعه کوتاه کرده مجازاتش کنیم حالا اگر حضرت امیر علیه السلام بود با این دزد چه معامله می کرد ؟ مسلمانان بیایید چندی هم همان حکمی را که حضرت امیر در باره دزد اجرا می کرد شما هم امروز در باره دزد اجرا کنید تا خاتمه بمر دزدی بدهید مأمورین هم وقتی مجازات دیدند دیگر بعال دزدی نمی افتند و راه درستی را پیش خواهند گرفت در این مملکتی که اساس ادارش این است که دزد بعد از مدتی پاک می شود یعنی یک قسمت از اموال مسروقه را جا - هائیکه باید بدهد با سمر رشوه داد نمی خواهد اسمی از اشخاص عرض کنیم زیرا شوخو قاتنه در این مملکت نه رشوه گیر بود نام و نه رشوه دهنده و نه واسطه این دو آنوقت آنش یک دزد هم با اور قیق شده و قوری تصدیق می کند که این شخص مثل یک بره قشنگ و بیاد است آنوقت دوباره مأمور ولایت دیگری شده و ترفیع رتبه حاصل خواهد کرد چطور باید امید اصلاح داشت اما بدبخت شاگرد مدرسه که در دره تحصیل خود را با زحمت و مشقت بیابان رسانیده همیشه منتظر است چه شود و کی وسائل ترقی و تعالی برای او فراهم آید زیرا او بخوبی می داند که تحصیلات او بقدر یک کشاهی ارزش و قیمت ندارد و جانی در وزارتخانه و اداره برای او نخواهد بود نه در محافل و مجالس او را راه می دهند و نه نزد خاص و عام احترامی دارد زیرا این نوع ملاحظات شایسته کسانی است که صاحب ثروت هستند و قن یک اتومبیل سوار بمنزل من می آید او را تادر کوچه استقبال میکنم اما یک شاگرد تحصیل کرده که می آید می گویم این کیست ؟ باز از آن حرفهای غریب می زند این است حال و اوضاع این مملکت آقای سردار معظم می فرمودند اگر چهار کرور بودجه معارف داشته باشیم معلم نداریم چرا معلم نداریم ؟ برای اینستکه فائده امتیاز فضلی هستیم آن بدبخت که تحصیل می کند می بیند اگر چنانچه یک زبان فرانسه بیاموزد

فورا مترجم فلان اداره شده و ماهی صد تومان بیاو می دهند در اینصورت مگر دیوانه است معلم شود ما می بیست و سه تومان بگیرد موقوفی قیمت معلم را کم کنیم وقتی برای او احترامی قائل نباشیم دیگر ما کی معلم خواهیم داشت ؟ و مگر اطفال ما را تربیت خواهد کرد معلمی امروز در مملکت ما کار بی قدر و اهمیتی است و هر کس معلم باشد می گویند این شخص مکتب داری سر گذر است و جزه فقرا است در صورتی که یک نفر معلم اگر حقیقتاً معلم باشد اول محترم ندانست

سردار معظم - اگر معلم باشد **سلیمان میرزا** - بلی بنده هم در صورتی که که معلم باشد عرض می کنم چنانچه معروف است در انامی که قشون دولت آلمان جنگ و فتح میکردند می گفتند قشون آلمان فتح کرده و بر دشمن غلبه کرده است بی مارك می گفت قشون آلمان فتح نکرده معلمین آلمان فتح کرده اند هر وقت هم که ما فهمیدیم معلمین فتح می کنند و اسباب ترقی آتیه این مملکت می شوند ادارات را منظم می کنند و معنی استقلال را می فهماند آنها هستند که از صن صیابت و کودکی وظائف شرعیه و وطنه را با طفال ما می آموزند و حالی میکنند با اینکه بنده همیشه داد و قیاد از معارف می زنم معذالك هنوز ماده ۴۸ قانون معارف در مملکت اجرا نشده یعنی هنوز مجازات بدنی در کار هست هنوز در مکتب و مدارس ما خوب و فلک در بین است و با آن شاگرد را تنبیه و سیاست میکنند

سردار معظم - چشم معلمین روشن **سلیمان میرزا** - معلم هنوز سردرس توی سر شاگرد می زند بنده چون طرفدار معارف هستم این عریض را عرض میکنم نمی گویم هر کس آسش معلم شد معلم است خیر البته معلم هم باید بداند چه وظیفه بزرگی باو محول است در مملکتی که هنوز افکار عامه نمی دانند معلم چه قدر وقیمت دارد و معلم چیست و کی است در چنین مملکتی که امتیاز فضلی نیست در یک چنین مملکتی که بستگی و نسبت منط اعتبار است اگر برای هزار دهمه بموجب نظامنامه حق داشته باشم حرف بزنم این مطالب را می گویم که اختیار غیر محدود را به بی وزیر می رانم نخواهم داد زیرا که معلمین هستیم حقوق اشخاص بی دست و پا و اشخاصی که بستگی ندارند حقوقشان حفظ شود و بنده خیال میکنم که نماینده این قبیل اشخاص هستم همه باید نماینده این قبیل اشخاص باشند در مملکت تشکیلات از برای چیست ؟ نظام عدلیه برای چیست ؟ برای گرفتن حق ضعیف است از توی فلسفه تمام تشکیلات اینستکه بزور ادارات و قشون و قانون بگذاریم قوی بضعیف زور بگوید اساس مشروطیت اینستکه ضعیف را حمایت کنیم تمام بیغیرها و تمام احکام الهی برای حفظ ضعیف است که مظلوم هستند زیرا ظالم محتاج بکمک نیست کمک نمی خواهد خودش هر که را میخواهد از اداره بیرون میکند دیگر لازم نیست مایک تشکیلات و یک اردو و یک قوانین درست بکنیم که ظالم را کمک کند اگر وقتی هم صدای ضعیف بلند شد بر سرش بزنیم بگوئیم ساکت شو حقیقت تمام مذاهب و ادیان و بهترین قوانین تشکیلات قوانینی است

کجا و گویی از ظالم مینماید هر قانونی که مطابق این اصل نوشته شود آن قانون از روی عدل و انصاف است و چون از روی عدل و انصاف نوشته شده است مطابق احکام شریعت است زیرا اساس آن بر حمایت ضعیف است هر چند شاید حالا موقمش نباشد مملکتی که هنوز از فکر ما نیامده برای عملجات فکری بکنیم و این بدبخت فقرا و اقوامی را که قانع و زحمت کش میباشند راحت کنیم در حالتی که تمام قوانین برای حفظ این قسمت مردم است زیرا شخص قوی در هیچ جا کمک لازم ندارد ، پول زور ، اتومبیل توصیه کمک همکار های قوی باو آقدر کمک خواهند کرد که خون مظلوم را تا آخر بکند

قوانین هر چه هست برای این است که این فقرا بیچاره را خلاص کند چنانکه حضرت امیر ۴ وقتی از مأمورین شکایت کردند جواب فرمودند عدله ظالم بیشتر است یا مظلوم بنده هم می گویم مظلومین آنها که در تحت فشار هستند و منافق این مملکت را حفظ میکنند تمام تشکیلات اساسش بر روی حفظ حقوق آنهاست و چون امتیاز فضلی در این مملکت نیست اختیارات مطلقه اسباب خواهد شد که عده بیچارگان از بین بروند باینجهت بنده اختیار غیر محدود را نمی پذیرم بر گردیم باز بجزه جمع بودجه آقایان فرمودند که جزو جمع عایدات را شاید شش ماه دیگر نتوان تهیه کرد و آورد

بنده عرض میکنم شاید اینطور نباشد جزو جمع مالیات دو قسمت است یک قسمت مالیات مستقیم و یک قسمت مالیات غیر مستقیم مالیات مستقیم با مالیات ارضی عبارت است از مالیاتهایی که دهات و قراعه میدهند و گمان نمیکنم اشکال داشته باشد و صورت جزش لابد باید در وزارتخانه باشد

سردار معظم - نیست **سلیمان میرزا** - بفرمایش آقا اگر نیست بنده کمال تأسف را دارم همه مسبوق هستند در دوره قبل از مشروطیت صورت عایدات در وزارت مالیه که سهل است پیش هر مستوفی بوده آنها جزو جمع مالیاتهای ارضی را زدند تهیه میکردند حالا که آقای مخبر فرمودند آن جزو جمعها هم نیست بر تأسف بنده اضافه شد پس آقایان مالکین چطور مالیات خود را می پردازند این مشکل بیشتر شد مالیاتی که جزو جمعش معین نیست چطور تأدیبه میشود در این صورت بنده هم کارها را کنار می گذارم و میگویم باید جزو جمع را معین کرد ولی بعقیده بنده قسمت همدانش که باید باشد پس اگر نباشد اساس مالیه ما فقط میز و صندلی است لا بصورت مالیاتهای ارضی معلوم است و ممکن است خیلی زود صورتش را بمجلس بفرستد و پنج شش ماه بیشتر وقت لازم ندارد

مالیاتهای غیر مستقیم را هم بنده بایدی سال قبل معتقد میشوم مثلا گمرک را می بینم سال قبل چقدر کار کرده اینجامی نویسم و همیطور مالیات تجدید دخیانیت و مستغلات و غیره را بطور تقریب از روی عایدی سه قبل می نویسم چون تحقیقاً نمی دانیم سال بعد چقدر مال التجاره بگمرک وارد می شود و چقدر مالیاتهای غیر

مستقیم احوال دریافت میشود پس بعقیده صاحبان پیشنهاده مخالفین صورت عایدات ارضی و غیر مستقیم را خیلی زود می توانیم تهیه کنیم و شش ماه وقت لازم ندارد زیرا جزو جمع مالیات ارضی و مستقیم در دفاتر هست مالیات غیر مستقیم را هم که بطور تقریب می نویسیم اما راجع بصورت جزو خرج آقا این وزارتخانه که فردا دایر خواهد شد مگر تشکیلات اعضایش و حقوق آنها مشخص معین نیست ؟ آقا نمی توانند فردا یک صد نفر بشوند و در ضمن آن صورتی که می بینند اگر دیدند فلان ثبات با فلان رئیس دایره لازم نیست یک خط روی آن نکشند همین کار که بعد از این خواهند کرد فردا بکنند حتی در آمدت که کمسیون بودجه ملدا که می کرد وزراء ممکن بود اینکار را بکنند تا اینکه صورت جزه خرج هم معین شود ما نمی توانیم مطابق قانون اساسی باین اعتبار رأی بدهیم برای اینکه تا شش ماه دیگر هم بوصول بودجه نخواهیم رسید و تغییرات عجیب و غریب در وزارتخانهها پیدا خواهد شد و عده صدمه که وارد خواهد آمد با اشخاص ضعیف و اشخاص تحصیل کرده که واسطه و وساله ندارد داده خواهند شد باین جهت است که بنده مخالفم

رئیس - آقای فهم الملک (اجازه)

فهم الملک - مقدمتاً باید عرض کنم که حضرت والا در ابتداء فرمایشاتشان باینک استمارات نسبت به کسانی که با این لایحه موافقت کرده اند بی لطفی فرمودند البته خاطر شان را متذکر می شوم روزی که ما در اینجا آمدیم و در مجلس پذیرفته شدیم هیچکدام مقید نشدیم که موافق رأی و عقیده کسی اظهار رأی کنیم همه در عقیده خودمان آزاد بوده و البته هر کسی باید با یک طرز و فلسفه در مسائل اظهار عقیده و رأی بکند بنا بر این نباید باو حمله کرد و تهدیدش کرد که تاریخ شما را بدنام خواهد کرد ممکن است رأی بنده غلط باشد ولی امروز که رأی می دهیم با همان آزادی و فکر صائبی که حضرت والا دارند بنده هم رأی می دهم این را بطور خلاصه بنده در ابتدای عرضم عرض کردم حالا داخل موضوع لایحه بودجه بشویم حضرت والا اظهار می فرمایند این ورقه بودجه نیست بنده هم موافقم و عرض می کنم بودجه نیست و در این دوسه جلسه هم تعریفات خیلی مفصلی از روی کتب خارجه و تألیفات علماء مالیه فرانسه راجع بتعریف بودجه شده بالاخره حاصل اینستکه بودجه مملکت عبارت از صورتی است که حاوی جمع و خرج و اصول و موادی باشد که در یکطرف صورت عایدات را معین کند و اینک طرف تشکیلات ادارات را در صورتی که ما قبلاً تصدیق می کنیم این بودجه ما این حال را ندارد چرا ندارد ؟ اگر قدری تعمق بفرمایید ملاحظه خواهید فرمود که از اول مشروطیت تا بحال همیشه مذاکره بودجه در اول صقعه و پروگرامها چه در متوج بودن مجلس و چه در نبودن مجلس بود و اگر یک مراجعه مختصری به دوسه های وزارت مالیه و سایر وزارتخانه ها بشود ملاحظه خواهید فرمود که همیشه دوسه ماه با آخر سال

مانده وزارتخانهها را میجویم کرده اند که بودجه های خود را بوزارت مالیه بفرستند و همیشه تا یکید شده است که بودجه های بودجه شان را بفرستند ولی بواسطه عدم تکفوف دخل و خرج بالاخره سال به آخر رسیده و قرار شده است که مطابق سه ماهه بپردازند بامارت اخیری موفق نشده اند یک صورت مفصلی تهیه بنمایند در بودن مجلس هم که یک عنصر قوی تری بود برای تهیه بودجه متأسفانه مظلومانی پیش می آمد که موفق نمی شد چنانکه مجلس اول منتظر شد بیمار دمان مجلس و مجلس دوم با اولتواتوم و آن کودتا منتهی شد مجلس سوم هم به هاجرت و آن اوضاع مسافرت ختم شد بعد از آن برای مجلس چهارم تا بحال هنوز یک مظهره را تریش نامیده این پیش آمده خوب نامدال می کنند که یک قوه دیگری در مخالفت با بودجه در کار هست و از طرف دیگر نباید فراموش کرد که در تهیه کردن بودجه تا یک اندازه هم تصویب با خود مجلس بود زیرا در دوره دوم که من در کمسیون بودجه عضو و مخیر بودم می دیدم برای تهیه بودجه یک نکات و جزئیات آقایان ابرار می کردند که یک فقره بودجه شش ماهه وقت لازم داشت که تصویب شود بنده می است با اینهمه تفصیل ممکن نبود ۲۰ سال دیگر هم بودجه تهیه شود بنده عقیده دارم که بودجه ممکن نیست کمتر از چهار سال تهیه شود و برای تهیه بودجه کامل لایحه سه چهار سال وقت لازم است آنها هم بجه ترتیب که در ابتداء بهر یک از وزارتخانهها بطور کلی اعتبار داده شود که در حدود آن اعتبارات ادارات خود را تشکیل کند و در سال بعد باز بکندری تجزیه بکنند و اگر نه آقدر زیاد که نشود در آن باب مذاکره کرد و بیک محظوراتی برخورد بدمدر سال سیم و چهارم بکندری بیشتر تا اینکه در سال پنجم موفق به یک بودجه مرتب بشویم که از مجلس بگذرد و در غیر اینصورت بنده عرض می کنم غیر ممکن است و اینکه می فرمایید چرا صورت جزه را بمجلس نیاوردند ؟

اولاً صورت عایدی که ۱۹ ملیون و کسری است بمان دلائلی که اظهار شد صورت صحیحی نیست زیرا در حدود رایبورت کمسیون بودجه می نویسد که عایدی تخمین ۱۹ ملیون و کسری است این صورت ناقص است و بیش از اینها است و عایدات اینصورت با عایدات حقیقی بعقیده بنده چهار پنج ملیون تفاوت دارد زیرا در سال قوی ثیل عایدی داخلی دولت از هر بحث متجاوز از هفده ملیون که عبارت از سی و چهار کرور باشد بوده در صورتی که در آن سال عایدی نفت جنوب چهار صد هزار تومان بوده و فعلاً ۳ ملیون اضافه شده است از بابت دخیانیت و تجدید در آن سال مطابق اجازه ک داده شده بود ششصد و هشت هزار تومان بود حالا تقریباً ۳ ملیون است گمرکات پیش از جنگ هفت کرور بیشتر نبود الان مطابق تخمین پارسال شش ملیون بیش بینی و دو ملیون تفاوت دارد و با این تخمیناتی که حتی است یقیناً عایدات ۵ ملیون زیادتر است بنده اگر بناه بود بودجه عایدات را مجلس ۱۹۹۰ ملیون تصویب کند ابداً رأی نمی دهم و حتی المقدور مانع می شدم که آقایان

رأی ندهند ولی در عین حال باید این نکته را هم متذکر شد که بودجه عایدات هیچوقت اینطوریکه می فرمایند بصورت جزه جمع بمجلس نمی آید جزو جمع صورتی است که وزیر مالیه باید تهیه کند و مجلس بموجب میزان مالیات معین کند

بنده می است که مالیات بنده باید مطابق قانون مجلس مالیات بدهد ولی رسم نیست صورت جزه بمجلس بیاید و اینکه فرمودند صورت جزه جمعی موجوده را باید آورد آنها هیچ بدرد نمی خورد و خیلی ناقص است یک قسمت بود که در موقع سوختن اداره تشعیص عایدات از بین رفت و آنچه که فعلاً هست صورت جزه و جمعیها هست که متعلق بقدیم است و از ۱۵ سال قبل تا بحال خیلی تفاوت کرد و فعلاً آنها بهیچ بدرد نمی خورد دیگر آنکه حضرت والا در ضمن فرمایشات خودشان یک جمله فرمودند که جواب آنرا هم با اجازه خودشان عرض می کنم البته در نظر دارند که در موقع شور در قانون شورای معارف که بعضی از آقایان جنبه روحانیت را تخصیص بخودشان دادند حضرت والا حقاً عصبانی شدند و بنده هم تصدیق می کنم ولی عرض می کنم که در یک موضوع دیگر هم که حضرت والا گامگاهی بخودتان تخصیص می دهید ما هم حق داریم عصبانی شویم و آن موضوع معارف است

البته همه ما می خواهیم امتیاز فضلی روز بروز در مملکت اهمیت پیدا کند اگر خاطر حضرت والا باشد در موقعی که در پروگرام بیست دولت ملدا کرده می شد بنده از آقای وزیر معارف استعفا کردم که بعد از سرخرج نپردازند و مکتب خانه ها دردهات تهیه بکنند برای اینکه رعایای بیچاره یک سوادی پیدا کنند چون با خرج یک مدرسه مرکز ممکن است دوست مدرسه دردهات تهیه کرد تا ما بتوانیم درجات و امتیازات فضلی را روز بروز در مملکت زیاد کنیم و اگر در ضمن بودجه گامگاهی مذاکره می شود برای اینستکه می خواهیم همیشه مدارس باقی بماند و معلما در کوچه سرگردان نباشند پس ما تا وقتی که یک پولی تهیه نکنیم در این خصوص هر چه صحبت بکنیم آن سر در کویدن است

پس باید پولی تهیه کنیم و بدهیم که مدارس زیاد شود نه در شهر بلکه در بلوک و دهات تا آنکه بتوانیم یک روزی در قانون انتخابات خودمان قید کنیم که کلیه اشخاص با سواد باید رأی دهند ولی امروز نمی توانیم این حرف را بزنیم برای اینکه اگر این حرف را بزنیم آنوقت در تهران دو هزار فریب دانی شود که رأی بدهد برای اینکه معارف نداریم و این بزرگترین ذلت است برای ما البته اگر ما با این حال امروزمان نبودیم کارمان خیلی بهتر بود و با آنکه نیست نظریه حضرت والا را تصدیق می کنم استعفا می کنم تمام رفقای خودشان را هم از خود دور ندانید و همه را با خود هم فکر بدانند و یقین بدانند در این زمینه با شاهراهی کاملی خواهد شد اما اینکه تصور فرمودند این بودجه را که الان رأی می دهیم یک اختیارات فوق العاده بوزرا داده می شود که در خرج و تعدیل

اجزاء و ابراز خصوصیتها همه نوع دستشان باز خواهد شد.

بنده تصدیق می کنم ولی این معايب راجع بگذشته است راجع بامروز نیست که ما بگوئیم اگر این لایحه تصویب نشود این معايب از بین می رود و اگر عرض کنم از رفتار و رویه کدر ادارات نسبت باشخاص شده اطلاعات بنده کاملتر است شاید حضرت والا تصدیق بفرمایند برای اینکه بنده ۲۷ سال در ادارات بوده ام و حقیقتاً چیزهایی می دانم که حضرت والا در اینجا عرش را بیان نفرمودند اگر ما بخواهیم از این مسائل جلو گیری شود فقط راه تصویب قانون استخدام است نه رد این لایحه آن ترتیب هم از تصویب یار این لایحه بحال خود باقی است نهایت یک چیز هست و آن این است که همان وزارت مالیه را که مثل زردید اگر تا بحال وزیر مالیه با ۳ میلیون اظهار خصوصیت می کرد حالا با دو میلیون خواهد کرد

بنابر این اگر ما بخواهیم باین وضعیت که در ادارات معمول بوده خاتمه بدهیم چاره نداریم جز اینکه قانون استخدام را وضع کنیم و مستخدمین را مطابق قانون استخدام داخل و خارج کنیم اما اینکه فرمودید در دهائی در ادارات هستند بنده دزد نمی گویم عرض می کنم مستخدمی در آن حالتهاست که خودتان فرمودید البته زور که سر کار آمد برای تأمین آتیه خود ناچار است همه کار بکنند که گرسنگی نخورد.

وقتی باید متوقف دزدی مستخدم نبود که از همه چیز او را مطمئن بکنیم بنده از روی یقین عرض می کنم یک مستخدمی که بیست تومان یا ۲۵ تومان حقوق دارد اگر بوضعیت خود اطمینان داشته باشد خود را با آب و آتش میاندازد که آن حقوق از دست نرود و هیچ حاضر نیست دزدی بکند بیخود این نسبت را بستمندین بیچاره می دهند می بینید این بیچاره ها با چه ذلتی حاضرند خدمت بکنند در صورتی که بدانند کسی بآنها کار نخواهد داشت البته بطور درستی خدمت می کنند ولی این لایحه مربوط باین قسمت نیست مطابق این لایحه هیئت وزراء باید بروند بودجه های خود را تهیه کنند برای اینکه تهیه قانون بودجه وظیفه دولت است چنانکه در نظامنامه داخلی هم تصریح دارد که هیچگونه طرحی که مستلزم خرج اضافه حقوق باشد و کلاه نمیتوانند پیشنهاد کنند علت هم معین است برای این که هیئت دولت که قوه مجریه است از احتیاجات مملکت اطلاع دارد و باید بنا بر احتیاجات مملکت بودجه را تهیه کند نهایت بمجلس حق تفتیش و نظارت داده شده است نشده حالا مطابق این صورتیکه تهیه شده است دولت ادارات خود را تشکیل می دهد و آنچه را که لازمی دانند باید در بودجه پیش بینی کند و بمجلس بیاورد نهایت اینکه چون گفته اند عایدی مانورده میلیون بیشتر نیست ما هم می گوئیم مطابق آن بشما ۱۹ میلیون اعتبار می دهیم حالا اگر یک صورتی بیاورند که عایدات

تجاوز از این مبلغ کند باز همان اندازه بآنها اعتبار می دهیم مجلس اگر موفق شود همین نکته را ثابت کند بکنند بزرگی بطرف بودجه برداشته است و آن این است که هیچ خرجی بر بودجه تحمیل نخواهد شد مگر آنکه مجلسش معلوم شود و این مسئله دو خاصیت دارد یکی آنکه بودجه از موازنه خارج نمی شود دیگر آنکه تمام توجه اول بمایدات می شود بعد بمخارج در صورتی که در این سنوات اخیر برعکس تمام توجه بمخارج بوده نه بمایدات حالا اگر همین اصل را سه کنیم که مجری کنیم یعنی هیچ خرجی را تصویب نکنیم تا محل اعتبار آن معین نشود آنوقت بار عایدات برنگردد و موازنه دخل و خرج اگر دولت بیاورد و بگوید بودجه من کسر است و بمجلس پیشنهاد فرض کند مجلس با کمال اطمینان تصویب می کند زیرا می دانند محم و خرجش بقدر است ولی در غیر این صورت اگر یک بودجه بیاورند که چند میلیون هم اضافه داشته باشد یک پول نمی شود فرض کرد و این اول قدمی است که ما برای بودجه باید برداریم و بگوئیم در مقابل اینقدر عایدات بشما این قدر اجازه می دهیم خرج کنید باین شرط که بروید تشکلات خودتان را مطابق این عایدات و این اعتبار تهیه کنید و بمجلس بیاورید فعلا غالب این مخارجی را که ما تصویب می کنیم حقیقتاً من غیر قانونی می دانم زیرا یک عایدی نیست که مادر مقابل آن بگوئیم این مخارج از آن محل پرداخته شود این قدم اول را که برداشتم می شود امیدوار بود که بس از چند سال دیگر موفق بداشتن یک بودجه صحیح بشویم بنده هم با حضرت والا موافقم که این بودجه نیست ولی یک بودجه جدید الولاده است که هنوز ندانم ندارد حرف نزنند راه نبرود اگر خدا کسی اولادی بدهد آن طفل جدید الولاده را دور نمی اندازند زحمت می کشند او را تربیت می کنند زحمتش را متحمل می شوند تا وقتی که بزرگ شود هیچوقت کسی نمی گوید که هر چه خدا بمن اولاد بدهد می کشم تا اینکه یک اولاد بیست و پنجساله بمن بدهد.

(تخنده حضار)

بنابر این بنده باین لایحه موافقم از این نقطه نظر که اختیارات وزراء محدود شود و بودجه از این اعتبارات تجاوز نکنند اگر هم نخواهند تجاوز کند اول باید محل آنرا تهیه کرده و بعد لایحه خرج را بیاورد اما آن قسمت روزی هفت هزار تومان که آقای وزیر مالیه در جلسه قبل اظهار کردند من به آن اهمیت نمی دهم زیرا ممکن است در همین تغییر و تبدیل یک ضررهای دیگری وارد شود ولی همینقدر مطمئن هستم که وقتی هیئت دولت دیدند که به آنها اجازه خرج داده میشود ناچار خواهند بود که تا اول سال بودجه خود را تهیه کنند ما آن را قریب به سه میلیون از این تشکلات فعلی کسر کرده ایم بطور می توانند صورت

آنها بیکه در علم بودجه اختصاص دارند بهتر از بنده می دانند وقتی یک اعتباری برای یک وزارتخانه تصویب میشود برای مخارجی است که دولت یا وزیر آن وزارتخانه در مدت سال اگر یک مخارج فوق العاده پیش بیاید و بتصویب نمایندگان رسیده باشد به آن مصرف برسانند حالا از قراریکه شنیده ام در وزارتخانه ها از این محل اعتبار باشخاص اضافه حقوق داده میشود و وجه اعتبار بمجلس خودش مصرف نمی شود و هر وزیری که روی کار می آید بپیل خودش علاوه بر بودجه که تصویب شده بکنه قیاری اضافه مواجب میدهد چون این برخلاف مقصودی است که در قانون نوشته شده خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم که آیا این مطلب صحیح است و در وزارتخانه ها معمول است یا خیر؟

رئیس - چون مدتی از شب گذشته است و باره سؤالات هم هست که باید از آقایان وزراء شود اگر مجلس موافق باشد بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد

رئیس - چون مدتی از شب گذشته است و باره سؤالات هم هست که باید از آقایان وزراء شود اگر مجلس موافق باشد بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد

(گفته شد - صحیح است)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب سؤالی داشتید.

آقا سید یعقوب - بنده یک سؤالی از وزارت داخله داشتم و بتوسط ریاست محترم فرستادم و حالا عرض میکنم مطابق اطلاعاتیکه از روزنامهجات و مکاتب وارده از فارس حاصل شده است ایل قشقائی در موقع حرکت از بیلان - به شلاق عمل ایلغانی در ضمن هیویشان بعضی دهات را غارت و بعضی را ضابطه گذارده اند می خواهم خاطر نشان کنم طائفه که این کار را کرده اند چه طائفه هستند چون در واقع ایل قشقائی چند طایفه هستند.

دره شوری است، لشکر کی است و شش بلوکی این طایفه که اینکار را کرده اند طایفه عمله هستند که در اطراف جادر رئیس ایل هستند. در این باب شکایت و تلگرافات زیادی در روزنامه مصر آزاد و استخر هست و مکاتیب هم رسیده نمی دانم هیئت دولت در این باب اطلاعاتی دارند؟ و اگر اطلاعاتی دارند در این باب چه اقدامی فرموده اند برای اینکه مانعندگان در این باب سخت گرفتار هستیم حتی هیئت متظلمین در شیراز تشکیل شده است و به علما ملتجی شده اند و رئیس ایل قشقائی را تعقیب کرده اند خوب است اقداماتی را که در این باب فرموده اند بفرمایند

رئیس الوزراء - این شرحی را که آقای آقا سید یعقوب میگویند باین تفصیل نبوده است یک راپورتهایی بخود من رسیده از ایالت و رئیس ایل هم حقیقت مطلب را خواستام و منتظر هستم توضیحات آنها برسد بملاوه ما بایالت دستور داده ایم مأمور بفرستد در صورتیکه خسارتی رسیده باشد استرداد کند و مرتکب رانتیبه نماید.

رئیس - آقای سلیمان میرزا از آقای سلیمان میرزا - البته همه آقایان مخصوصاً

آنها بیکه در علم بودجه اختصاص دارند بهتر از بنده می دانند وقتی یک اعتباری برای یک وزارتخانه تصویب میشود برای مخارجی است که دولت یا وزیر آن وزارتخانه در مدت سال اگر یک مخارج فوق العاده پیش بیاید و بتصویب نمایندگان رسیده باشد به آن مصرف برسانند حالا از قراریکه شنیده ام در وزارتخانه ها از این محل اعتبار باشخاص اضافه حقوق داده میشود و وجه اعتبار بمجلس خودش مصرف نمی شود و هر وزیری که روی کار می آید بپیل خودش علاوه بر بودجه که تصویب شده بکنه قیاری اضافه مواجب میدهد چون این برخلاف مقصودی است که در قانون نوشته شده خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم که آیا این مطلب صحیح است و در وزارتخانه ها معمول است یا خیر؟

رئیس - چون مدتی از شب گذشته است و باره سؤالات هم هست که باید از آقایان وزراء شود اگر مجلس موافق باشد بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد

(گفته شد - صحیح است)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب سؤالی داشتید.

آقا سید یعقوب - بنده یک سؤالی از وزارت داخله داشتم و بتوسط ریاست محترم فرستادم و حالا عرض میکنم مطابق اطلاعاتیکه از روزنامهجات و مکاتب وارده از فارس حاصل شده است ایل قشقائی در موقع حرکت از بیلان - به شلاق عمل ایلغانی در ضمن هیویشان بعضی دهات را غارت و بعضی را ضابطه گذارده اند می خواهم خاطر نشان کنم طائفه که این کار را کرده اند چه طائفه هستند چون در واقع ایل قشقائی چند طایفه هستند.

دره شوری است، لشکر کی است و شش بلوکی این طایفه که اینکار را کرده اند طایفه عمله هستند که در اطراف جادر رئیس ایل هستند. در این باب شکایت و تلگرافات زیادی در روزنامه مصر آزاد و استخر هست و مکاتیب هم رسیده نمی دانم هیئت دولت در این باب اطلاعاتی دارند؟ و اگر اطلاعاتی دارند در این باب چه اقدامی فرموده اند برای اینکه مانعندگان در این باب سخت گرفتار هستیم حتی هیئت متظلمین در شیراز تشکیل شده است و به علما ملتجی شده اند و رئیس ایل قشقائی را تعقیب کرده اند خوب است اقداماتی را که در این باب فرموده اند بفرمایند

رئیس الوزراء - این شرحی را که آقای آقا سید یعقوب میگویند باین تفصیل نبوده است یک راپورتهایی بخود من رسیده از ایالت و رئیس ایل هم حقیقت مطلب را خواستام و منتظر هستم توضیحات آنها برسد بملاوه ما بایالت دستور داده ایم مأمور بفرستد در صورتیکه خسارتی رسیده باشد استرداد کند و مرتکب رانتیبه نماید.

رئیس - آقای سلیمان میرزا از آقای سلیمان میرزا - البته همه آقایان مخصوصاً

بودجه مطرح شده و کمیسیون بودجه عقیده خود را اظهار نمودند بمجلس بفرستد که تکلیف آن معلوم شود.

رئیس الوزراء - بودجه جدید تهیه شده در ظرف همین دو سه روز بکمیسیون بودجه فرستاده خواهد شد.

رئیس - آقای نصرت الدوله از آقای رئیس الوزراء سؤالی داشتند

نصرت الدوله - بلی این سؤالی که از آقای رئیس الوزراء می خواهم بکنم در بدو امر معذرت می خواهم اگر بفرمایند مربوط بن نیست ولی چون مربوط به تمام وزارتخانه ها است و نمیتوانم فرآ فرد سؤال کنم مجبور شدم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم از کرمانشاه تا قصر شیرین از هر مال مکاری که عبور می کند ۳ تومان می گیرند و گذشته از اینکه از اتوبوس و گاری و درشکه هم می گیرند باز باسامی مختلف اضافه می گیرند حتی در موقع حمل بوته و حبوبات یا هیزم از آنها یک حقوقی می گیرند آنهم به اسامی عجیب مثل ملاحظه فرمایند در زمستان حق المرتع می گیرند در صورتیکه زمینها ملو از یخ و برف است در باطاق باسم فرا-ورانی در میان طاق باسم حفاظت درهارون آباد باز باسم فرا-ورانی در یک فرسخی شهر باسم رامشوسه حالا بنده نمیدانم این پولها را کمی گیرند صحیح است یا خیر؟

وقتی بنده می گویم صحیح است یا خیر البته آقای رئیس الوزراء خواهند فرمود صحیح نیست البته از نقطه نظر و کلام مجلس هیچ بولی بتصویب مجلس نرسیده باشد صحیح نیست مقصودم این است که آیا این پول را با اجازه دولت می گیرند یا بدون اجازه دولت تصور می کنم قسمت اعظم آنرا بدون اجازه دولت می گیرند خیلی خوشوقت می شدم اگر رئیس الوزراء که تحقیقات دقیق تری در این باب دارند توضیح می فرمودند که بنده هم ملتفت بشوم

رئیس الوزراء - در این باب راپورتی بمن رسیده و از سؤالی که ایشان فرمودند خیلی خوشوقت شدم چند شب قبل که این سؤال را بنده کتباً نوشته بنده رجوع کردم بوزارت فواید عامه و همینطور از حکومت هم توضیحات خواستم بعد از آنکه توضیحات رسید جواب عرض خواهم کرد

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده چندین سؤال داشتم کدام یک را عرض کنم؟

رئیس - راجع بر بروجرد

مستشار السلطنه - خوشبختانه والی بروجرد تعیین شده چون موقع مراجعت ایالت بگرمسیر حدود سیلاخور است می خواهم بدانم کی والی حرکت خواهد کرد و چه وقت موجبات حرکت او معین میشود که قبل از مراجعت ایلات امنیت در آن حدود حکمفرما باشد و اهالی از امنیت آن حدود مطمئن باشند

رئیس الوزراء - حکومت بروجرد بطوریکه

خودشان مطلع هستند تعیین شده و قریباً ازمایش شوند و راجع بامنیت هم چنانکه خودشان میگویند کمال امنیت حاصل است و تقریباً تجاوز از دوهزار قشون در بروجرد تهیه شده و پس از رسیدن حکومت البته وسائل لازمه برای تکمیل تأمین آن حدود اتخاذ خواهد شد

رئیس - رفته ای از وزارت مالیه رسیده است قرائت میشود و انتخاباتی که مطابق این رفته باید بشود در جلسه آتی خواهد شد

(بمضمون ذیل قرائت شد)

(ریاست محترم مجلس مقدس شورایی)

فقرویریشانی مالیه تهاجم شدید ترین ایالات مادی از یکطرف اداری مسئولیت و وظیفه شناسی از طرف دیگر اجازه کشف حقایق را باینجناب میدهند

آقای غضنفرخان نماینده گلپایگان از ابتدای عقرب لوی ثیل تا انتهای میزان ثیلان ثیل یک نفر و از یونان ثیل تا آخرسنه بیچی ثیل در مرتبه دوم تصدی امانت مالیه گلپایگان و کمره و خوشنار بوده اند چون از محاسبات و معاملات ایشان بمرور چیزهایی برخلاف منافع دولت استمدارک می شد وزارت مالیه در ابتداء سال گذشته آقای میرزا عبدالله خان نجمی مفتش مالیه را برای تفتیش حوزه مأمورینی آقای غضنفرخان اعزام داشت.

تقریباً مدت یکسال که مشارالیه در محل متوقف و مشغول تحقیقات و تفتیحات بود نسبت بدوره محاسبات آقای غضنفرخان اعزام داشت و تقریباً مدت یک سال که مشارالیه در محل متوقف و مشغول تحقیقات و تفتیحات بوده نسبت بدوره محاسبات آقای غضنفرخان با اسناد و مدارک صحیحه کشفیاتی نموده راپورتهای جامع بمرکز دادند.

در این موقع تفرک این مسئله را زائد نمی دانم با اینکه محیط و موقع چندان قدر و قیمتی برای صحت عمل و دیانت قابل نبود و به عبارت آخری درستی و صداقت خریداری نداشت معاذ الله آقای میرزا عبدالله خان با کمال دوستی و وظیفه اداری خویش رافسعی انجام داده اند که شایان تقدیر است.

در نتیجه رسیدگی و تحقیقات که اداره محاسبات کل مالیه نسبت بمعاملات و محاسبات آقای غضنفرخان تکمیل نموده بود از طرف دولت وقت علائق آقای غضنفرخان در حدود گلپایگان توقیف گردید در چندین قبیل علائقجات ایشان من غرق مسترد و قرار شد به محاسباتشان تجدید رسیدگی شود.

اخیراً که وزارت مالیه دوسیه و محاسبات ایشان را برای مذاقه تجدید نظر بکمیسیون تفریق محاسبات ارجاع نموده کمیسیون مزبور نیز پس از چند روز مطالعه و مذاکره حضوری با آقای غضنفرخان بالاخره موافقت خودشان را با داره محاسبات کل کتباً اظهار و در نتیجه رسیدگی بیک قسمت از محاسبه دوره تصدی ایشان معادل مبلغ ۴۰ هزار تومان و هشتصد و هفتاد و یک تومان و چهار قران و یکشاهی ملزمی ثابت و لا کلام آقای غضنفرخان را مطابق صورت جرح تعین نمودند.

رئیس - برای اینکه می گویند شاید جنبه جزائی هم داشته باشد.

سردار معظم - این سابقه را.

رئیس - اگر مذاکرانی در این باب دارید بهتر این است که در جلسه آتی بشود

سردار معظم - بسیار خوب ولی بنده مخالف با پذیرفتن این رقه هستم.

رئیس - يك پیشنهاد دیگر است از طرف هیئت دولت رسیده مشعر به برقراری شهریه در حق

ورثه مرحوم میر موسی خان به کمیسیون بودجه ارجاع می شود. جلسه آتی پس فردا دو ساعت بغروب خواهد

بود و دستور آن از این قرار است. اولاً بقیه شوردر قانون شورای عالی معارف. ثانیاً بقیه شور در راپورت

کمیسیون بودجه. ثالثاً انتخاب يك نفر عضو برای کمیسیون قوانین مالیه بجای مرحوم آقا شیخ

محمد جواد

سردار معظم خراسانی - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید

سردار معظم - بنده بازمی بینم باز از اهمیت راپورت کمیسیون بودجه دارد کم کم کاسته می شود و در مرحله

دوم معین می شود و در آخر جلسه یکی دو نفر صحبت می کنند و باز می ماند برای بعد یعنی می گفتم همانطوریکه

سابقاً بایک جدیدی این راپورت تعقیب می شد همانطور تعقیب شود و آقای وزیر مالیه زودتر یعنی در اول جلسه

تشریف آورده و تمام اوقات مجلس صرف راپورت کمیسیون بودجه شود.

رئیس - چون چیزی دیگر نمانده شور اول تمام شود گمان می کنم در نیم ساعت تمام شود

سردار معظم - حضرتعالی چرا فراموش می فرمائید که ممکن است که يك نفر ۳ ساعت حرف بزنند بنا بر این

ممکن است راپورت کمیسیون بودجه جز دستور گذارده شود بعد اگر وقت شد راپورت شورای عالی فرهنگ مطرح شود شود زیرا ما عجله داشتیم که يك خسارتی

نسبت بدولت واقع نشود و حالا خودمان داریم کم کم این مسئله را عملاً تایید می کنیم

رئیس - مجلس با اظهارات آقای سردار معظم موافق است ؟

« گفته شد بلی »

رئیس - پس در اول راپورت کمیسیون بودجه و در ثانی قانون شورای عالی معارف مطرح و جز دستور خواهد بود.

« مجلس ۴ ساعت از شب گذشته تعطیل شد »

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملک

جلسه ۶۰

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه دوم دلو ۱۳۰۰ مطابق بیست و سوم

جنادی الاولی ۱۳۴۰

مجلس موقع غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۶ جدی را آقای تدین

وزارت مالیه بر طبق التزام نامه سابق آقای غضنفرخان و نتیجه رسیدگی های کمیسیون تفریق

محاسبات مجالاً ملائحتاً کلیایگان مشارالیه را که معروف است در نتیجه این مأموریت تحصیل کرده

و سابقاً هم توقیف شده و بوسائلی آزاد کرده بود و شاید در حدود ۱۰ هزار تومان تخمیناً ارزش داشته

باشد ضبط و برای بقیه مبلغ فوق و یا ملزومی های دیگری که بعدها از ممالشان کشف و اثبات بشود ناچار از

تعقیب و رسیدگی خواهد بود.

چون وزارت مالیه از دو نقطه نظر مأمورین خود را تعقیب می نماید. اول از نقطه نظر محاسباتی که بعد از

رسیدگی آنچه ملزومی مأمور باشد از او گرفته شود و بعد از نقطه نظر تصصیرات اداری که در دیوان

محاکمات رسیدگی خواهد شد.

نظر باینکه هر گاه دیوان مزبور صلاح بدانند وزارت مالیه امر را به بار که بدایت ارجاع خواهد کرد

برای حفظ شرافت مقام نمایندگی آقای غضنفر خان لازم دانست مراتب را به عرض رساند که تعقیب مشارالیه

با اجازه مجلس مقدس باشد.

این زاهم لازم است عرض کنم چنانچه آقای غضنفرخان به رسیدگی تفریق محاسبات اعتراض داشته

باشند اگر چه رأی کمیسیون مزبور قابل استیناف نیست ولی در این موقع وزارت مالیه موافق است که

قبلاً هیئتی از طرف مجلس مقدس تعیین شود که در ساعات اداری وزارت مالیه منظم و متوالیاً جلسات

خود را تشکیل نموده به محاسبات آقای غضنفر خان رسیدگی نمایند و هر گاه بر هیئت مزبور هم مدتی شد که ایشان مستحق تعقیبند آنوقت اجازه تعقیب

صادر گردد.

وزارت مالیه به یاداش خدمات صادقانه آقای میرزا عبدالله خان نجمی و برای رغبت و دلگرمی آتی ایشان

ارتقاء رتبه در حقتان منظور نموده ضمناً برای ترویج صحت عمل و تشویق مأمورین يك دامن بالضروره

تقاضا می شود موافقت فرمایند هر مبلغ بابت مأخوذه های آقای غضنفرخان بحیطه فصول رسید محادله

يك آن بعنوان وجه تشویق بین اعضاء محاسبات كل و کمیسیون تفریق محاسبات و آقای میرزا عبدالله خان نجمی تقسیم شود.

بعلاوه بازم برای ترویج درستکاری و اثبات تقدیر خوش خدمتی مأمورین مالیه در نظر دارد پیشنهادی

به مجلس مقدس تقدیم دارد که در آتی هر گاه نظر این مسئله معین از منافع رفته دولت چیزی بدست آمد

معادل عشر آن بین مأمورینی که در این راه جدیت و فداکاری کرده اند بطور جائزه تقسیم کرده

« مصدق السلطنه »

رئیس - بالفعل این رقه مطرح بحث نیست. اگر مذاکرانی دارید بماند برای جلسه بعد

سردار معظم - چرا این لایحه به مجلس آمده است ؟